

إِظْلَاحُ نَكَاشَاتٍ



الاساس في أصول الفقه

استاد عبدی



رسول بابائی





اطلاع نگاشت | اینفوگرافی

رسول بابائی



اطلاع نگاشت

کتاب الاساس فی الاصول الفقه

(استاد عېدی)

رسول بابائی

فهرست تصاویر:

۹	تصویر ۱ مروری کلی بر کتاب الاساس فی اصول الفقه
۱۰	تصویر ۲ تمهید؛ درس اول
۱۱	تصویر ۳ حکم شرعی؛ درس دوم
۱۲	تصویر ۴ وضع و تقسیم آن؛ درس سوم
۱۳	تصویر ۵ حالات لفظ و معنی؛ درس چهارم
۱۴	تصویر ۶ طرق احراز وضع؛ درس پنجم
۱۵	تصویر ۷ استعمال و اقسام آن؛ درس ششم
۱۶	تصویر ۸ دلالت و اقسام آن؛ درس هفتم
۱۸	تصویر ۹ ماده امر؛ درس هشتم
۱۹	تصویر ۱۰ فور و تراخی؛ درس نهم
۲۰	تصویر ۱۱ اقسام واجب (۱)؛ درس دهم
۲۱	تصویر ۱۲ اقسام واجب (۲)؛ درس یازدهم
۲۲	تصویر ۱۳ ماده نهی؛ درس دوازدهم
۲۳	تصویر ۱۴ عام و اقسام آن؛ درس سیزدهم
۲۴	تصویر ۱۵ مخصص و اقسام آن؛ درس چهاردهم
۲۵	تصویر ۱۶ تمسک به عام؛ درس پانزدهم
۲۶	تصویر ۱۷ مطلق و مقید؛ درس شانزدهم
۲۷	تصویر ۱۸ دال بر اطلاق؛ درس هفدهم
۲۸	تصویر ۱۹ حمل مطلق بر مقید؛ درس هجدهم
۲۹	تصویر ۲۰ منطوق و مفهوم؛ درس نوزدهم
۳۰	تصویر ۲۱ مفهوم مخالف؛ درس بیستم
۳۱	تصویر ۲۲ مفهوم شرط؛ بیست و یکم
۳۲	تصویر ۲۳ مفهوم وصف؛ بیست و سوم
۳۳	تصویر ۲۴ مفهوم غایت؛ درس بیست و سوم
۳۴	تصویر ۲۵ مفهوم حصر، عدد و لقب؛ درس بیست و چهارم
۳۵	تصویر ۲۶ قطع و حجیت آن؛ درس بیست و پنجم
۳۶	تصویر ۲۷ علم اجمالی؛ درس بیست و ششم
۳۷	تصویر ۲۸ دلیل عقل؛ درس بیست و هفتم
۳۸	تصویر ۲۹ عقل در استنباط احکام شرعی؛ درس بیست و هشتم
۳۹	تصویر ۳۰ قاعده ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع؛ درس بیست و نهم
۴۰	تصویر ۳۱ تجری؛ درس سی ام
۴۱	تصویر ۳۲ اجزاء (۱)؛ درس سی و یکم
۴۲	تصویر ۳۳ اجزاء (۲)؛ درس سی و دوم
۴۳	تصویر ۳۴ مقدمه واجب؛ درس سی و سوم

- ۴۴----- تصویر ۳۵ ضد(۱)؛ درس سی و چهارم
- ۴۵----- تصویر ۳۶ ضد (۲)؛ درس سی و پنجم
- ۴۶----- تصویر ۳۷ اجتماع امر ونهی (۱)؛ درس سی و ششم
- ۴۷----- تصویر ۳۸ اجتماع امر و نهی(۲)؛ درس سی و هفتم
- ۴۸----- تصویر ۳۹ اقتضاء نهی للفساد (۱)؛ درس سی و هشتم
- ۴۹----- تصویر ۴۰ اقتضاء نهی للفساد (۲)؛ درس سی و نهم
- ۵۰----- تصویر ۴۱ عرف و سیره؛ درس چهلّم
- ۵۱----- تصویر ۴۲ اجماع؛ درس چهل و یکم
- ۵۲----- تصویر ۴۳ تعریف دلیل ظنی و امکان تعبد به آن؛ درس چهل و دوم
- ۵۳----- تصویر ۴۴ اصل در ظنون؛ درس چهل و سوم
- ۵۴----- تصویر ۴۵ اقسام ظهور و طرق احراز آن؛ درس چهل و چهارم
- ۵۵----- تصویر ۴۶ حجیت ظهور؛ درس چهل و پنجم
- ۵۶----- تصویر ۴۷ موقف اخباریین؛ درس چهل و ششم
- ۵۷----- تصویر ۴۸ خبر و اقسام آن؛ درس چهل و هفتم
- ۵۸----- تصویر ۴۹ حجیت خبر واحد؛ درس چهل و هشتم
- ۵۹----- تصویر ۵۰ حجیت خبر واحد با اجماع و سیره؛ درس چهل و نهم
- ۶۰----- تصویر ۵۱ میزان دلالت ادله حجیت خبر واحد؛ درس پنجاهم
- ۶۱----- تصویر ۵۲ اجماع منقول؛ درس پنجاه و یکم
- ۶۲----- تصویر ۵۳ شهرت فتوائیه؛ درس پنجاه و دوم
- ۶۳----- تصویر ۵۴ امارت غیر معتبره؛ درس پنجاه و سوم
- ۶۴----- تصویر ۵۵ اصول عملیه و مجاری آن؛ درس پنجاه و چهارم
- ۶۵----- تصویر ۵۶ تقسیم شبهات؛ درس پنجاه و پنجم
- ۶۶----- تصویر ۵۷ ادله مجتهدین بر براءت در شبهه در تکلیف؛ (۱)
- ۶۷----- تصویر ۵۸ ادله مجتهدین بر براءت در شبهه در تکلیف (۲)
- ۶۸----- تصویر ۵۹ ادله مجتهدین بر براءت در شبهه در تکلیف
- ۶۹----- تصویر ۶۰ ادله اخباریون بر وجوب احتیاط در شبهه در تکلیف؛ درس پنجاه و نهم
- ۷۰----- تصویر ۶۱ اقسام شبهه در مکلف به؛ درس شصتم
- ۷۱----- تصویر ۶۲ حکم شبهه محصوره در مکلف به هنگام دوران بین متباینین؛ درس شصت و یکم
- ۷۲----- تصویر ۶۳ حکم شبهه غیر محصوره در مکلف به هنگام دوران بین متباینین؛ درس شصت و دوم
- ۷۳----- تصویر ۶۴ اقسام شبهه در مکلف به هنگام دوران بین اقل و اکثر؛ درس شصت و سوم
- ۷۴----- تصویر ۶۵ حکم دوران بین اقل و اکثر؛ درس شصت و چهارم
- ۷۵----- تصویر ۶۶ اصل تخییر؛ درس شصت و پنجم
- ۷۶----- تصویر ۶۷ تعریف استصحاب؛ درس شصت و ششم
- ۷۷----- تصویر ۶۸ استدلال به عقل و بناء عقلاء بر استصحاب؛ درس شصت و هفتم
- ۷۸----- تصویر ۶۹ استدلال به اخبار بر استصحاب؛ درس شصت و هشتم

- تصویر ۷۰ میزان دلالت اخبار استصحاب؛ درس شصت و نهم ----- ۷۹
- تصویر ۷۱ استصحاب کلی؛ درس هفتادم ----- ۸۰
- تصویر ۷۲ حقیقت تعارض؛ درس هفتاد و یکم ----- ۸۱
- تصویر ۷۳ جمع عرفی؛ درس هفتاد و دوم ----- ۸۲
- تصویر ۷۴ قاعده اولیه و ثانویه در متعارضین؛ درس هفتاد و سوم ----- ۸۳
- تصویر ۷۵ مرجحات (۱)؛ درس هفتاد و چهارم ----- ۸۴
- تصویر ۷۶ مرجحات (۲)؛ درس هفتاد و پنجم ----- ۸۵
- تصویر ۷۷ مرجحات (۳)؛ درس هفتاد و ششم ----- ۸۶
- تصویر ۷۸ تعارض اصول؛ درس هفتاد و هفتم ----- ۸۷
- تصویر ۷۹ تراحم؛ درس هفتاد و هشتم ----- ۸۸
- تصویر ۸۰ اجتهاد و ملکه‌ی آن؛ درس هفتاد و نهم ----- ۸۹
- تصویر ۸۱ طریق اجتهاد و استنباط حکم شرعی؛ درس هشتادم ----- ۹۰

سخنی با طلاب محترم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين

علم اصول فقه از جمله علوم پایه و اساسی در مسیر تحصیل علوم حوزوی است که طالب علم به واسطه‌ی آن، شیوه‌ی فهم احکام شرعی از منابع معتبر اسلامی، یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل را می‌آموزد. این علم، نه تنها مقدمه‌ی ورود به فقه است، بلکه نقش مهمی در نظم‌بخشی به فکر، دقت در استدلال و پرورش ذهن اجتهادی ایفا می‌کند.

طلاب گرامی در مرحله‌ی مقدمات، غالباً برای نخستین بار با مفاهیم اصولی مواجه می‌شوند؛ مفاهیمی که اگرچه در اصل ساده و عقلایی‌اند، اما به سبب تنوع اصطلاحات، تقسیم‌بندی‌ها و ارتباطات میان مباحث، گاه دشوار و پراکنده به نظر می‌رسند. از این رو، نیاز به اثری که بتواند تصویر کلی علم اصول و جایگاه هر مبحث را به صورت منظم و قابل فهم نشان دهد، بیش از پیش احساس می‌شود.

کتاب پیش‌رو با عنوان «اطلاع‌نگاشت الأساس فی أصول الفقه» تالیف استاد عبدی؛ با همین هدف تدوین شده است؛ یعنی ارائه‌ی مباحث اصلی اصول فقه در قالب تصاویر و اینفوگرافی‌های جذاب (تولید شده با ابزار هوش مصنوعی با دقت بالا) ساده و مرحله‌به‌مرحله، به گونه‌ای که طالب علم بتواند پیش از ورود به شرح‌های تفصیلی، نقشه‌ی ذهنی روشنی از این علم به دست آورد. در این اثر، تلاش شده است:

❖ مطالب با زبان آموزشی و متناسب با سطح مقدمات بیان شود؛

❖ از اصطلاحات پیچیده و اختلافات مبنایی سنگین پرهیز گردد؛

❖ هر مبحث در حد نیاز طلبه‌ی مبتدی، به صورت خلاصه و ساختارمند عرضه شود؛

❖ ارتباط میان مباحث اصولی به روشنی نشان داده شود.

لازم به تأکید است که این کتاب، متن درسی مستقل در علم اصول فقه محسوب نمی‌شود، بلکه نقش آن کمک‌درسی و آموزشی است و می‌تواند در کنار کتاب «الاساس فی اصول الفقه» مورد استفاده قرار گیرد؛ چه برای آمادگی پیش از درس، چه برای مرور و جمع‌بندی پس از آن. امید است این مجموعه بتواند با توفیق الهی، گامی مؤثر در تسهیل یادگیری علم اصول، افزایش انس طلاب مبتدی با این دانش بنیادین و ایجاد زمینه‌ای مناسب برای ورود موفق به سطوح بالاتر علوم حوزوی باشد.

و ما التوفيق إلا بالله العلی العظیم

رسول بابائی

مروری بر کتاب «الاساس فی أصول الفقه»

این اینفوگرافیک، ساختار اصلی کتاب «الاساس» را که به آموزش علم اصول فقه می‌پردازد، به تصویر می‌کشد. این علم، ابزار لازم برای یک فقیه جهت استنباط احکام شرعی از منابع اصلی یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع را فراهم می‌کند. کتاب به سه بخش اصلی تقسیم شده است: مباحث الفاظ، ادله قطعی و ادله ظنی.

بخش سوم: ادله ظنیه (منابع معتبر غیر قطعی)

ظواهر کتاب و سنت
معنای ظاهری آیات و روایات تا زمانی که دلیلی برخلاف آن نباشد، حجت است.



خبر واحد

بررسی حجیت روایتی که توسط یک یا چند راوی معتبر نقل شده و به حد تواتر نرسیده است.



اجماع منقول و شهرت فتوایی

ارزش اثباتی اتفاق نظر فقها (اجماع) یا نظر مشهور آنان (شهرت) در استنباط حکم.



بخش دوم: ادله قطعیه (منابع یقین آور)

اوامر و نواهی

تحلیل صیغه‌های امر (مانند «افعل») و نهی (مانند «لا تفعل») برای استنباط وجوب و حرمت.



دلیل عقل

بررسی نقش عقل قطعی در استنباط احکام، مانند حکم عقل و شرع.

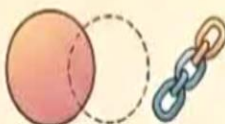


بخش سوم: ادله ظنیه (منابع معتبر غیر قطعی)



ظواهر کتاب و سنت

تحلیل صیغه‌های امر (مانند «افعل») و نهی (مانند «لا تفعل») برای استنباط وجوب و حرمت.



عام و خاص / مطلق و مقید

بررسی دامنه شمول الفاظ برای تشخیص احکام کلی (عام) از احکام جزئی (خاص).



مفاهیم (منطوق در برابر مفهوم)

استخراج دلالت‌های غیرمستقیم کلام، مانند مفهوم شرط، وصف، غایت و حصر.

اصول فقه: ابزار استنباط احکام

تعریف و اهمیت



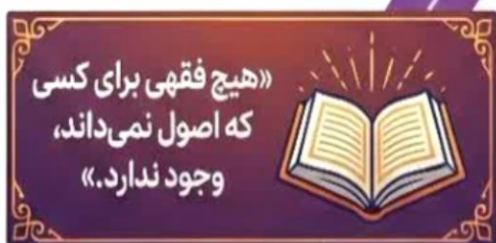
دانش قواعد استنباط

علمی که قواعد لازم برای استخراج احکام شرعی را فراهم می‌کند.



میزان فقه

همچون منطق برای تفکر، این علم مانع خطای فقیه در اجتهاد می‌شود.



این علم کلید بصیرت و رسیدن به مراتب عالیه دینی است.

موضوع و ساختار

موضوع اصلی: ادله شرعی



منابعی که برای اثبات احکام شرعی به کار می‌روند، مانند قرآن، سنت، اجماع و عقل.

ساختار مباحث اصلی



مباحث این علم معمولاً در پنج باب اصلی دسته‌بندی می‌شود.

مراتب و مبانی حکم شرعی در اصول فقه

حکم شرعی، خطاب خداوند به افعال مکلفین است که اعمال آن‌ها را از جهت الزام، اختیار یا ایجاد یک وضعیت خاص، جهت‌دهی می‌کند. این احکام به دو دسته اصلی «تکلیفی» و «وضعی» تقسیم می‌شوند و فلسفه وجودی آن‌ها بر پایه مصالح و مفاسد واقعی در اعمال است.



حکم تکلیفی

دستوری که مستقیماً به طلب انجام یا ترک یک فعل یا اختیار دادن بین آن دو مربوط می‌شود.



حکم وضعی

حکمی که به صورت غیرمستقیم و با ایجاد وضعیت‌هایی سببیت، شرطیت و مانعیت بر رفتار مکلف اثر می‌گذارد.



واجب

طلب انجام فعل همراه با منع از ترک آن، مصلحت شدید



مستحب

طلب انجام فعل بدون منع از ترک آن، مصلحت غیر شدید



مباح

مساوی بودن انجام و ترک فعل، عدم وجود مصلحت و مفاسد یا تساوی آن‌ها



مکروه

طلب ترک فعل بدون منع از انجام آن، مفاسد غیر شدید



حرام

طلب ترک فعل همراه با منع از انجام آن، مفاسد شدید

مراتب احکام تکلیفی (احکام خمسه)



فلسفه احکام



تبعیت احکام از مصالح و مفاسد

احکام الهی بر اساس حکمت و مبتنی بر منافع (مصلحت) و مضرات (مفاسد) واقعی در افعال وضع شده‌اند.



نقش عقل در درک حکمت

عقل درک می‌کند که شارع حکیم، هیچ حکمی را بدون علت و هدف تشریع نمی‌کند.

مفهوم الوضع وأقسامه في أصول الفقه

برای فهم دقیق مراد شارع از کتاب و سنت، باید قواعد دلالت الفاظ را شناخت. اولین و اساسی‌ترین مبحث در این زمینه، بحث «الوضع» است که به چگونگی ایجاد ارتباط و تخصیص یک لفظ به یک معنای خاص می‌پردازد.

تعریف الوضع و ارکانه



تعریف اصطلاحی الوضع: «جعل اللفظ علامة للمعنى»؛ یعنی قرار دادن یک لفظ به عنوان نشانه‌ای برای یک معنای مشخص.

ارکان اصلی فرآیند وضع



أقسام الوضع



۱. الوضع التعیني

ارتباط لفظ و معنا با قصد و عمل عمدی «واضع» ایجاد می‌شود. این حقیقت وضع در اصطلاح است.

۲. الوضع التعیني

ارتباطی که به سبب کثرت استعمال یک لفظ در معنایی خاص، در ذهن اهل زبان شکل می‌گیرد.



تفاوت اساسی

«وضع تعیني» یک عمل قصدی است، اما «وضع تعیني»

تعیني حاصل انس ذهنی بدون قصد مستقیم است و وضع حقیقی محسوب نمی‌شود.

مثال: لفظ «الصلاة»

اگر شارع این لفظ را عمداً برای معنای شرعی خاص (نماز) قرار داده باشد، وضع آن «تعیني» است.



الصلاة

تحلیل و دسته‌بندی مفاهیم بنیادین در علم اصول فقه، شامل انواع معنا، شیوه‌های وضع لفظ، اقسام جمله و حالات الفاظ، که سنگ بنای فهم متون دینی محسوب می‌شوند.

تحلیل معنا و لفظ

تقابل انواع معنا: اسمی در برابر حرفی



المعنى الاسمي

معنایی که به‌طور مستقل در ذهن قابل تصور است. (مثال: «رجل»)



المعنى الحرفي

معنایی که تنها در ارتباط با معنای دیگر قابل تصور است و نقش ربط‌دهنده دارد. (مثال: «وین» در «سِرْتُ مِنَ الْبَصْرَةِ»)

اقسام جمله و حالات الفاظ

تقابل اقسام جمله: خبریه در برابر انشائیة



الجمله الخبرية

جمله‌ای که از واقعیتی خبر می‌دهد و قابلیت صدق و کذب دارد.



الجمله الإنشائية

جمله‌ای که واقعیتی را ایجاد می‌کند (مانند امر یا عقد) و قابلیت صدق و کذب ندارد. (مثال: صیغه امر «افعل»)

تقابل انواع وضع: شخصی در برابر نوعی



الوضع الشخصي

لفظ برای یک معنای مشخص، معین و جزئی وضع شده است. (مثال: نام غلم «زید»)



الوضع النوعي

هیئت و ساختار کلی برای یک معنای عام وضع شده است، نه برای مصادیق آن. (مثال: هیئت «هیئت فاعل» برای دلالت بر انجام‌دهنده فعل)

تقابل حالات الفاظ: مترادف در برابر اشتراک



الترادف

وجود چند لفظ برای یک معنای واحد. (مثال: «أسد» و «ليث» هر دو به معنای شیر)



الاشتراك اللفظي

وجود یک لفظ برای چند معنای مختلف. (مثال: «عين» به معنای چشم، چشمه، طلا و...)

در علم اصول فقه، هنگامی که در مورد معنای وضع شده (معنای حقیقی) یک لفظ شک وجود داشته باشد، اصولیون از راه‌ها و نشانه‌هایی برای کشف و احراز آن معنا استفاده می‌کنند. این اینفوگرافیک به معرفی مهم‌ترین این نشانه‌ها می‌پردازد.



۱. تبادر

به ذهن آمدن یک معنا از لفظ بدون نیاز به هرگونه قرینه (نشانه کمکی).



مثال برای تبادر

اگر از لفظ «خمر» معنای «شراب» مست مست کننده گرفته شده از انگور» به ذهن تبادر کند، این نشانه وضع آن است.



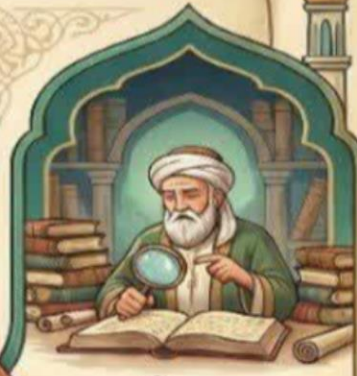
۲. صحّة الحمل و عدم صحّة السلب

درست بودن حمل یک مفهوم بر لفظ (مانند: شیر، حیوان درنده است) نشانه وضع است.



مثال برای صحّة السلب

اگر بتوان گفت «نوه، فرزند نیست»، این صحّت سلب، نشانه عدم وضع لفظ «فرزند» برای «نوه» است.



۳. قول اللّغوي (گفتار لغت‌شناس)

نظر لغت‌شناس قطعی نیست و فقط گمان‌آور (ظنی) است، زیرا مبتنی بر اجتهاد اوست.



نکته کاربردی: اصل عدم النقل

اثبات وضع در زمان گذشته اگر وضع یک لفظ در زمان گذشته ثابت شود، برای استفاده در زمان حال به یک مقدمه دیگر نیاز است.



اصل عدم النقل

این اصل عقلایی می‌گوید که معنای یک لفظ با گذر زمان تغییر نمی‌کند، مگر آنکه خلافش ثابت شود.

اقسام استعمال: حقیقی و مجازی

تعریف و ارکان استعمال

استعمال چیست؟

استعمال عبارت است از به کار بردن لفظ و اراده کردن معنایی از آن، برای انتقال آن معنا به ذهن مخاطب.

سه رکن اصلی استعمال



لفظ
(کلمه)



معنی
(مفهوم)



اراده
(قصد گوینده)

استعمال حقیقی

به کار بردن لفظ در همان معنایی که در اصل برای آن وضع شده است. این نوع استعمال نیازی به «قرینه» ندارد.



استعمال مجازی

به کار بردن لفظ در غیر معنای اصلی (موضوع له) به دلیل وجود یک مناسبت. این نوع استعمال نیازمند «قرینه صارفه» است.

مثال برای مجاز:
"رأيت أسداً يرمى"



در جمله «شیری را دیدم که تیر می انداخت»، کلمه «أسد» به صورت مجازی برای «مرد شجاع» به کار رفته است.

اصالة الحقيقة

اگر شک کنیم که گوینده معنای حقیقی را اراده کرده یا مجازی، اصل بر این است که معنای حقیقی مد نظر بوده است.



اقسام دلالت در علم اصول فقه

دلالت در علم اصول فقه به این معناست که علم به چیزی، مستلزم علم به چیز دیگری باشد. این اینفوگرافیک، تقسیم‌بندی‌های اصلی دلالت لفظی-وضعی را برای فهم بهتر چگونگی استنباط احکام شرعی بیان می‌کند.

تقسیم اول: بر اساس کیفیت دلالت لفظ بر معنای موضوع له



دلالت مطابقی
دلالت لفظ بر تمام معنایی که برای آن وضع شده است.
(مثال: دلالت لفظ «کتاب» بر کل کتاب)



دلالت تَضَمُّنی
دلالت لفظ بر جزئی از معنایی که برای آن وضع شده است.
(مثال: دلالت لفظ «کتاب» بر اوراق آن)



دلالت التزامی
دلالت لفظ بر امری خارج از معنای خود که لازمه عقلی یا عرفی آن است.
(مثال: دلالت لفظ «حاتم» بر جود و بخشش)

تقسیم دوم: بر اساس قصد متکلم



دلالت تصویری
انتقال ذهن شنونده به معنای لفظ، صرفاً به دلیل وضع آن، حتی اگر گوینده قصد نکرده باشد.



دلالت تصدیقی
انتقال ذهن به اینکه گوینده، مضمون و محتوای کلام خود را اراده کرده است.
(این دلالت ناشی از ظهور حال متکلم است)

تقسیم سوم: بر اساس وضوح و ابهام معنا



نَصّ
«نصّ» دلالت قطعی بر مراد است



ظاهر
در حالی که «ظاهر» دلالت ظنی (غیر قطعی) بر مراد دارد.



مُجْمَل
«مُجْمَل» لفظی است که دلالتش مشکوک است و به مبین نیاز دارد



مُؤَوَّل
اما «مُؤَوَّل» کلامی است که مراد از آن، غیر از ممیز از ظاهر آن است.



اَمْر

اجزای اصلی امر



۱. ماده امر (ماده الأمر)

ریشه «ا م ر» که به معنای طلب و درخواست از مقامی برتر (عالی) به مقامی پایین‌تر (دانی) است.



۲. صیغه امر (صیغه الأمر)

هیئت و ساختاری مانند «افعل» که برای بیان دستور و انشاء طلب به کار می‌رود.

معانی و دلالت‌های صیغه امر



معنای اصلی: ظهور در وجوب

طبق نظر مشهور و متفق علیه، امر مولا بدون قرینه، دلالت بر واجب بودن فعل دارد.

معانی ثانویه (در صورت وجود قرینه)



امر ارشادی (الأمر الإرشادی)

برای راهنمایی به یک حکم دیگر است؛ نه بیان وجوب. مثال: «اهبیل توپک...» (لباس خود را بشوی) که به نجاست ارشاد می‌کند.



امر عقیب حظر (الأمر عقیب الحظر)

برای بیان جواز و رفع ممنوعیت است. مثال: «...فاصطادوا» (بس شکار کنید) که پس از ممنوعیت شکار در احرام آمده است.



جمله خبریه در مقام انشاء

جمله‌ای یا ظاهر خبری برای تأکید بر طلب به کار می‌رود. مثال: «نعبید الفلاة» (نماز را اعاده می‌کنید) یعنی باید اعاده کند.

تصویر ۹ ماده امر؛ درس هشتم



دَلَالَاتُ صِيغَةِ الْأَمْرِ فِي أَصُولِ الْفَقْهِ



صیغه امر (مانند «إفعل») در متون دینی، صرفاً یک دستور ساده نیست. اصولیون بحث می‌کنند که آیا این دستور ذاتاً بر وجوب انجام فوری فعل (فور) دلالت دارد یا تأخیر جایز است (تراخی)؟ و آیا یک بار انجام دادن آن کافی است (مرّه) یا باید تکرار شود (تکرار)؟

الفور والتراخی

(فوریت و تأخیر در امتثال)

آیا امر بر فوریت دلالت دارد یا تأخیر را برمی‌تابد؟

بحث بر سر این است که آیا صیغه امر، وجوب اقدام فوری به امتثال را می‌رساند یا خیر.



المرّة والتکرار

(یک بار انجام دادن و تکرار)

آیا امر بر انجام یک باره دلالت دارد یا تکرار؟

بحث بر سر این است که آیا امتثال امر با یک بار انجام دادن محقق می‌شود یا تکرار آن واجب است.



حق آن است که صیغه برای فوریت یا تراخی وضع نشده است. فوریت از قرائن دیگر فهمیده می‌شود، نه از خود صیغه.



اطلاق صیغه امر، بر کفایت «مرّه» (یک بار) دلالت دارد. لزوم تکرار نیازمند دلیل جداگانه است و با یک بار انجام دادن، امتثال حاصل می‌شود.



استدلال به آیه «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ...» امر به «مسارعت»، دلیلی بر لزوم فوریت در اسباب مغفرت مانند توبه است.



امر مقید به شرط: تکرار شرط، موجب تکرار حکم است. مثال: وجوب روزه ماه رمضان با تکرار شدن هر ساله این ماه، تکرار می‌شود.

اقسام واجب در اصول فقه

در علم اصول فقه، «واجب» بر اساس دو معیار اصلی تقسیم‌بندی می‌شود. این تقسیم‌بندی به درک ماهیت و الزامات تکالیف شرعی کمک می‌کند: یکی بر اساس نقش «قصد قربت» و دیگری بر اساس وجود یا عدم وجود «شرط».

تقسیم‌بندی اول: بر اساس قصد قربت

واجب تعبّدی

واجبی که تحقق آن تنها با نیت نزدیکی به خداوند (قصد قربت) ممکن است.

مثال برای واجب تعبّدی:
نمازهای یومیه، روزه و طهارت.



مثال برای واجب توصّلی:
جواب دادن به سلام و امر به معروف.



واجب توصّلی

واجبی که هدف آن بدون نیاز به قصد قربت نیز محقق می‌شود.



تقسیم‌بندی دوم: بر اساس شرط

واجب مشروط

وجوب و تکلیف به آن، به تحقق یک شرط بیرونی وابسته است.

مثال برای واجب مشروط:
وجوب حج که مشروط به داشتن استطاعت مالی و جانی است.



واجب مطلق

وجوب آن به هیچ شرطی وابسته نیست، هرچند انجام آن ممکن است مقدماتی داشته باشد.

مثال برای واجب مطلق:
وجوب حج نسبت به پیمودن مسیر (اصل وجوب، مشروط به سفر نیست).





مُبْحَثُ النَّوَهِ: الْمَفْهُومُ وَالذُّلَالَاتِ

مفهوم النهی
والأصل فيه



دلالات دیگر نهی
(با وجود قرینه)



النهی هو الزجر عن الفعل

به معنای بازداشتن از انجام
یک عمل است، نه صرفاً
درخواست ترک آن.



الأصل في النهی هو التحريم

هرگاه نهی بدون قرینه بیاید، بر حرام بودن
آن عمل دلالت می‌کند.



دلالت بر کراهت

گاهی نهی به معنای مکروه
بودن عمل است. مانند:
«لَا تُصَلِّ الْمَكْتُوبَةَ فِي جَوْفِ الْكَعْبَةِ»

صيغة النهی (مثل: لا
تفعل) ذاتاً بر فوریت
یا تکرار دلالت ندارد.

لا تفعل



اما عقل حکم می‌کند که
از تمام مصادیق عمل
نهی شده، از اولین تا
آخرین، اجتناب شود.



دلالت بر ارشاد

گاهی نهی برای راهنمایی به
به فساد یک معامله یا
شرط نبودن آن است. مانند:
«لَا تَبِعْ مَا لَيْسَ عِنْدَكَ»

الْعَامُّ وَالْخَاصُّ



اقسام العام (انواع فراگیری)



أقسام العام في أصول الفقه

در علم اصول فقه، لفظ «عام» به کلمه‌ای گفته می‌شود که بر تمام افراد یا اجزای موضوع خود به صورت فراگیر دلالت می‌کند. این اینفوگرافیک، اقسام اصلی این شمول و قرائیری را بر اساس چگونگی تعلق حکم به افراد یا اجزا، تشریح می‌کند.

تعريف العام والخاص



العام

لفظی که بر شمول حکم بر تمام افراد یا اجزای موضوعش دلالت دارد.
مثال: «أكرم كل عالم».



الخاص

لفظی که بر محدود بودن شمول حکم دلالت دارد.
مثال: «أكرم عالماً نهوياً».

اقسام اصلی العام

العام الاستغراقي

(شمول تک تک افراد)
حکمی که به هر یک از افراد موضوع به صورت مستقل تعلق می‌گیرد. این قسم خود به دو نوع تقسیم می‌شود.

العام المجموعي

(شمول کل مجموعه)
حکمی که به «مجموعه» افراد با اجزا به عنوان یک واحد تعلق می‌گیرد.

۱. العام الأفرادي

حکم شامل «تمام افراد» می‌شود. مثال: «أوفوا بالعقود» یعنی وفا به تمام قراردادهای واجب است.



۲. العام التبذلي

حکم شامل «یکی از افراد» به نحو جایگزینی می‌شود. مثال: «أكرم أي عالم» یعنی اکرام یک عالم کافی است.



تفاوت کلیدی در مخالفت

در عام مجموعی، ترک یک جزء به معنای مخالفت با کل حکم است، اما در عام استغراقی، ترک هر فرد یک مخالفت جداگانه محسوب می‌شود.

تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصّص

حکم عام

حکم عام:
هرگونه معامله ربوی
حرام است و شامل
تمام افراد می‌شود.

فرد مشکوک

آیا معامله ربوی بین
«مادر و فرزند» نیز استثناء
است یا مشمول حکم
عام حرمت می‌باشد؟

مخصّص معلوم

معامله ربوی بین
«پدر و فرزند» از این
حکم عام مستثنی
شده و جایز است.

اصل، جواز تمسک به عموم عام است.

در موارد شک، به حکم عام رجوع کرده و حکم به
حرمت معامله بین مادر و فرزند می‌دهیم.



شرط اساسی:
وجوب فحص از مخصّص
قبل از عمل به عموم عام، فقیه
باید از نبود دلیل استثناء دیگر
(مخصّص) اطمینان حاصل کند.

برای نمایش تفاوت در لزوم جستجو
برای انواع مختلف مخصّص (استثناء)

لزوم فحص (جستجو)	نوع مخصّص
واجب است	مخصّص منفصل (جدا از متن اصلی آمده)
واجب نیست	مخصّص متصل (همراه با متن اصلی بوده)

المطلق والمقيد في أصول الفقه

تعريف المطلق

إطلاق

المطلق: الشائع في جنسه: هو اللفظ الذي يدل على ماهية منتشرة في جميع أفرادها دون قيد.

مثال: «أكرم العالم»

تعريف المقيد

تقييد

المقيد: غير الشائع في جنسه: هو اللفظ الذي يدل على حصة معينة من الماهية بعد تقييدها بقيد.

مثال: «أكرم العالم العادل»

أقسام المقيد

(اللفظ الذي يقيد المطلق)

القسم الأول



المتصل

يقترن بالمطلق في كلام واحد.



المنفصل

يرد في كلام مستقل عن المطلق.

القسم الثاني



اللفظي

يكون قيدًا مذكورًا في النص (آية أو رواية).



اللبي

يُفهم من العقل أو الإجماع أو السيرة.

تطبيق عملي من القرآن الكريم

الإطلاق في حلية البيع:

﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ﴾

يدل على حلية جميع أنواع البيوع بشكل مطلق.

التقييد بتحريم الربا:

﴿وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾

يمثل مقيدًا منفصلًا يخرج البيوع الربوية من ذلك الإطلاق العام.

مقدمات الحکمة: راهنمای فهم اطلاق

در علم اصول فقه، دلالت یک لفظ بر معنای مطلق و بدون قید (اطلاق)، ذاتی خود لفظ نیست، بلکه از طریق چند مقدمه عقلی به نام «مقدمات حکمت» فهمیده می‌شود که نشان می‌دهد گوینده در مقام بیان تمام مراد خود بوده و قیدی را ذکر نکرده است.



مقدمه سوم: قرینه‌ای بر تقیید وجود ندارد

گوینده هیچ نشانه (قرینه) متصل یا منفصلی که معنا را محدود کند، در کلام خود نیاورده است.

مقدمه دوم: امکان تقیید وجود دارد

گوینده برای بیان هرگونه قید و شرطی که مد نظرش باشد، هیچ مانعی ندارد و قادر به ذکر آن است.

مقدمه اول: متکلم در مقام بیان است

گوینده قصد دارد تمام مراد و مقصود خود را بیان کند و در مقام اجمال یا ابهام نیست.



نتیجه: انعقاد ظهور در اطلاق

با جمع شدن این سه مقدمه، اگر قیدی ذکر نشود، کلام بر معنای مطلق و بدون قید حمل می‌شود.



تفاوت «مطلق» و «عام»

شمول در لفظ «عام» یا وضع خود لفظ فهمیده می‌شود، اما اطلاق در «مطلق» با مقدمات حکمت ثابت می‌گردد.

انصراف مانع از اطلاق

فقط انصراف ناشی از کثرت استعمال لفظ در معنایی خاص، مانع اطلاق است، نه انصراف بدوی (ناشی از غلبه وجود خارجی).

حمل مُطلق بر مُقید

مطلق
بدون قید

مقید
دارای قید

فقیه در فرآیند استنباط احکام شرعی، گاهی با دو دسته دلیل «مطلق» (بدون قید) و «مقید» (دارای قید) مواجه می‌شود. این اینفوگرافیک، روش حل تعارض ظاهری و جمع بین این دو نوع دلیل را بر اساس دسته‌بندی منطقی بیان می‌کند.

بخش اول: اختلاف در متعلق حکم

تنافی وجود ندارد.

هنگامی که موضوع دو حکم متفاوت باشد، تعارضی بین مطلق و مقید نیست.

قاعده: عمل به هر دو دلیل

به هر دو دلیل مطلق و مقید به صورت مستقل عمل می‌شود.

مثال:

اَکْرَمُ الْعَالَمِ

قُلْدُ الْعَالَمِ الْعَادِلِ

متعلق دو حکم (اکرام و تقلید) متفاوت است، لذا تعارضی ندارند.

بخش دوم: اتحاد در متعلق حکم

الف) اگر دو حکم متنافی باشند (مانند نفی و اثبات)

در این حالت، قاعده «حمل مطلق بر مقید» اجرا مثال: «اَکْرَمُ الْعَالَمِ» و «لَا تُکْرَمُ الْعَالَمِ النُّحْوِ».

ب) اگر دو حکم متوافق باشند (مانند دو وجوب)

در اینجا باید نوع مطلق را تشخیص داد که «بدلی» است یا «شمولی».

راه حل در مطلق بدلی: جمع موضوعی

در مطلق بدلی مانند «قُلْدُ عَالِمًا» و «قُلْدُ عَالِمًا عَادِلًا»، مطلق بر مقید حمل شده و وجوب تقلید، به عالم عادل اختصاص می‌یابد.

درس: المنطوق و المفهوم



درس بیستم

المفهوم المخالف



تعریف مفهوم مخالف

دلالة التزامی کلام بر این که با برداشته شدن یکی از قیود مذکور در آن، حکم نیز منتفی می‌شود.



ضابطه اصلی: علت انحصاری
مفهوم مخالف تنها زمانی ثابت است که قید ذکر شده، «علت انحصاری» برای حکم باشد؛ یعنی حکم فقط به خاطر وجود آن قید برقرار شده باشد.



تمایز کلیدی:

انتقای سنخ حکم، نه شخص آن

در مفهوم مخالف، «نوع و ماهیت» حکم (سنخ الحکم) با رفتن قید از بین می‌رود، نه فقط آن «مورد خاص» از حکم (شخص الحکم).



شخص الحکم



اقسام مشهور قیود



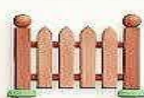
شرط



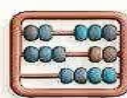
وصف



غایت



حصر



عدد



درس ۲۱

مفهوم الشرط

قضیه شرطیه، ثبوت حکمی (جزاء) را به ثبوت امری دیگر (شرط) وابسته می‌کند. بحث اصلی در «مفهوم شرط» این است که آیا با منتفی شدن شرط، آن حکم نیز منتفی می‌شود؟ رأی صحیح، مثبت بودن پاسخ است.

اصل مفهوم شرط و دلیل آن

تعریف مفهوم شرط:
انتفاء سنخ الحكم
عند انتفاء الشرط

این دیدگاه، رأی صحیح و مورد قبول اکثر محققین اصولی است.

دلیل اثبات: سببیت انحصاری

اعتبار مفهوم شرط بر این استوار است که شرط، تنها علت و سبب برای تحقق حکم باشد.

رکن اول: سببیت

(بر اساس وضع لغوی)
تبادر عرفی و وضعی از جمله شرطیه این است که «شرط»، «سبب» و علت برای «جزاء» است.

ارکان سببیت انحصاری

رکن دوم: انحصاریت

(بر اساس اطلاق)
با استناد به مقدمات حکمت، اگر سبب دیگری وجود داشت، باید توسط متکلم بیان می‌شد.

نمونه‌ای از روایات

استدلال به صحیحہ ابی بصیر

امام صادق (ع) از مفهوم شرط در کلام امیرالمؤمنین (ع) برای استنباط حکم شرعی استفاده می‌کنند.

حلال



«إِنْ رَكَّضَ الرَّجُلُ أَوْ طَرَفَتِ الْعَيْنُ فَكُلْ»

مفهوم مخالف: اگر حیوان ذبح شده هیچ‌یک از این دو حرکت را نداشت، خوردن آن جایز نیست.

حرام



درس ۲۲: مفهوم الوصف

آموزش مفهوم «وصف» در علم اصول فقه، با بررسی دیدگاه‌های مختلف و استدلال‌های مرتبط



«وصف» در اصطلاح اصولی چیست؟

به هر قیدی که در کلام آورده
شود، مانند نعت، حال یا
تمیز، وصف گفته می‌شود.



پرسش اصلی: آیا

وصف، مفهوم مخالف دارد؟
یعنی آیا با نبود وصف در یک
موضوع، حکمی که برای موضوع
وصف شده ثابت بود، منتفی می‌گردد؟



بخش ۱: چیستی مفهوم وصف و دیدگاه‌ها



سه دیدگاه اصلی در میان اصولیون



بخش ۲: ادله و نتیجه نهایی



۱. عدم ثبوت
(نظر اکثر علما)

۲. ثبوت مطلق
(نظر شهید اول)

۳. تفصیل
(نظر محقق نائینی)

دلیل قائلین به ثبوت مفهوم:
«جلوگیری از لغویت کلام»
معتقدند اگر وصف مفهومی نداشته
باشد، ذکر آن در کلام بیهوده و لغو
خواهد بود.

پاسخ مخالفین:

«فایده قید، منحصر در مفهوم نیست»
ذکر قید می‌تواند فواید دیگری مانند
احتراز از اوصاف دیگر یا تحدید
موضوع داشته باشد.

رای نهایی:

عدم حجیت مفهوم وصف به طور مستقل

دلیل معتبری بر حجیت مفهوم وصف وجود ندارد، مگر
آنکه قرینه خاصی بر این دلالت وجود داشته باشد.



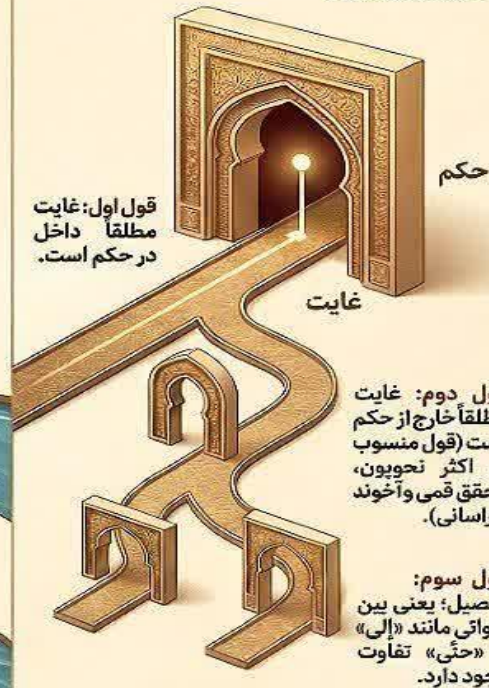
درس ۲۳: مفهوم غایت

«غایه» به معنای نقطه پایان و انتهای حکم است که با ادواتی مانند «إلی» و «حتی» مشخص می‌شود. در اصول فقه، دو بحث اصلی پیرامون آن مطرح است: اول، اینکه آیا خود غایت (نقطه پایان) داخل در حکم است یا خیر، دوم، اینکه آیا حکم پس از رسیدن به غایت، منتفی می‌شود (ثبوت مفهوم) یا خیر.

مبحث اول:

آیا غایت داخل در مَغْتَا (حکم) است؟

سؤال اصلی: آیا حکم شرعی، خود نقطه پایان (الغایه) را نیز شامل می‌شود یا دقیقاً قبل از آن متوقف می‌گردد؟



نتیجه: دلیل قطعی برای هیچ یک از اقوال وجود ندارد و قرائن موجود در هر مورد، تعیین کننده است.

مبحث دوم:

آیا غایت، مفهوم دارد؟

سؤال اصلی: آیا از بیان غایت برای یک حکم، می‌توان نتیجه گرفت که پس از آن نقطه، حکم منتفی است؟



استدلال مخالفان مفهوم: غایت فقط محدوده اجرای «شخص الحکم» را مشخص می‌کند، نه اینکه «سنخ الحکم» را پس از خود نفی کند.

تطبیقات عملی

روزه قضای رمضان

روایت «...بِالْخِيَارِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ» بنا بر قول به مفهوم، بر عدم جواز افطار پس از زوال خورشید دلالت می‌کند.



وجوب قتال اهل کتاب

آیه «...حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ...» بنا بر قول به مفهوم، بر عدم وجوب قتال پس از پرداخت جزیه دلالت دارد.



درس ۲۴

پژوهشی در مفاهیم (حصر، عدد و لقب)

این نمودار آموزشی به بررسی دلالت‌های التزامی (مفاهیم) در سه حوزه «حصر»، «عدد» و «لقب» می‌پردازد. تمرکز اصلی بر تشخیص اعتبار (حجت بودن) یا عدم اعتبار معنای مخالف در زمانی است که حکم بر یک موضوع خاص یا قیود مذکور وارد شده باشد.

بخش اول:
مفهوم حصر و ادات آن

ادات حصر (إِنَّمَا وِإِلَّا)



«إِنَّمَا» و «إِلَّا» در کلام (مانند استثنای مفرغ) بر حصر دلالت قطعی داشته و مفهوم آن‌ها حجت است.

تعریف المبتدأ باللام و
تقديم ما حقه التأخير

خبر

مبتدأ ال

عامل

متعلق

تعریف مبتدأ به «ال» جنس و مقدم شدن متعلقات (مانند جار و مجرور) بر عامل، افاده حصر می‌کنند.

حصر حقیقی در مقابل حصر اضافی

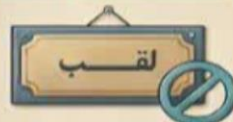


در حصر حقیقی، با انتفای محصور، سنخ حکم (اصل حکم) به طور کامل منتفی می‌شود.

بخش دوم:

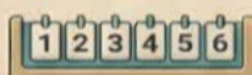
مفهوم عدد و لقب در بوته نقد

عدم حجیت مفهوم لقب در
لسان اصولی



لقب (هر اسمی که رکن کلام باشد) فی نفسه مفهوم ندارد؛ مگر قرینه‌ای بر انحصار وجود داشته باشد.

شرط حجیت در مفهوم عدد



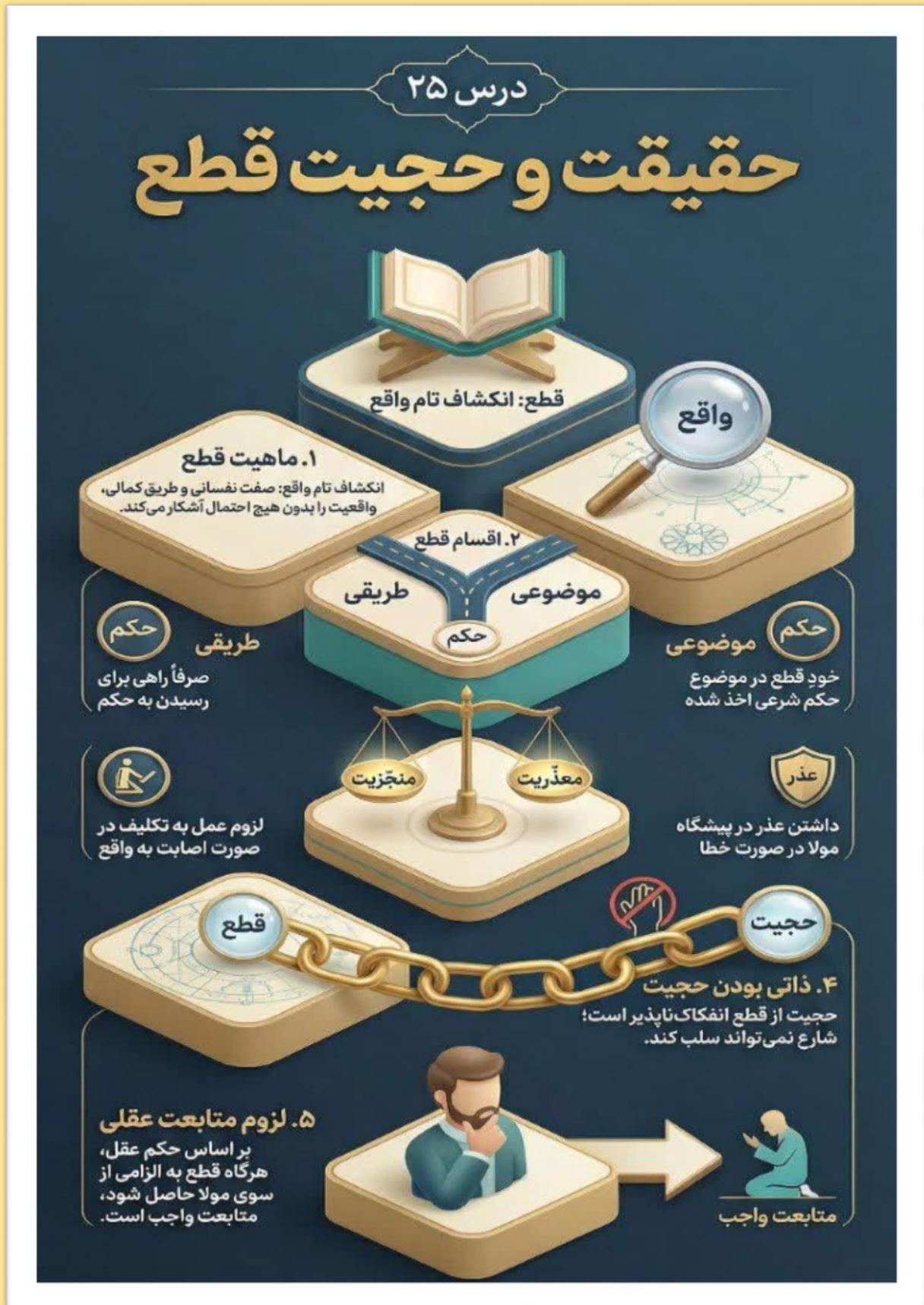
عدد تنها زمانی دارای مفهوم است که گوینده در «مقام تحدید» و بیان مرز دقیق حکم باشد.

تطبيق فقهی: وجوب نفقه



به دلیل حصر، نفقه غیر از والدین و فرزندان (مانند برادر و خواهر) بر مرد واجب نیست.

نوع مفهوم	وضعیت حجیت (اعتبار)	ملاک دلالت
مفهوم حصر	حجت است ✓	تبادر عرفی و وضع لقوی
مفهوم عدد	غالباً حجت نیست ?	مگر در مقام تحدید
مفهوم لقب	حجت نیست ✗	عدم دلالت لفظی بر نفی غیر



تصویر ۲۶ قطع و حجیت آن؛ درس بیست و پنجم

درس ۲۶: ماهیت و منجزیت علم اجمالی

تبیین تفاوت علم تفصیلی و اجمالی و تشریح دو مرحله‌ی اصلی تنجیز علم اجمالی در دانش اصول فقه

بخش اول: ماهیت و تفاوت‌های ساختاری علم



بخش دوم: مراحل منجزیت علم اجمالی



مثال‌های کاربردی (تنجیز علم اجمالی)

نوع تکلیف	مثال (اطراف شبهه)	حکم (موافقت قطعی)
واجب (نماز)	تردید بین نماز ظهر یا جمعه	ادای هر دو نماز
حرام (شبهه محصوره)	تردید در غصبی بودن یکی از دو ظرف	اجتناب از هر دو ظرف
حقوق (غیبت)	علم به مومن بودن یکی از دو نفر	حرمت غیبت هر دو نفر

درس ۲۷

دلیل عقلی و نقش آن در استنباط

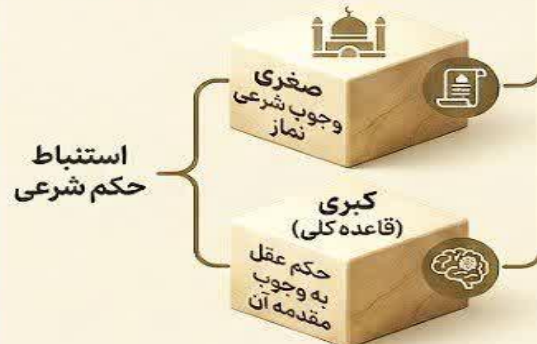


مستقلات عقلیه: حاکمیت مطلق عقل



در این نوع، عقل به تنهایی هر دو مقدمه صغری و کبری را ادراک می‌کند.

غیرمستقلات عقلیه: ترکیب شرع و عقل



برای رسیدن به نتیجه، عقل نیازمند یک مقدمه شرعی است.

ساختار قیاس در استنباط



عقل در استنباط احکام شرعی

(درس ۲۸: عقل نظری و عملی)

نقش مبنایی عقل در
استخراج احکام الهی



عقل عملی

(ما یفعلی آن یفعل)

ادراک اموری که شأن آن‌ها عمل و اجراست؛
مانند درک نیکویی عدالت و زشتی ستم.



عقل نظری

(ما یفعلی آن یعلم)

ادراک اموری که شأن آن‌ها شناخت و دانستن است؛
مانند بحث در مورد اینکه آیا احکام شرعی تابع
مصالح و مفاسد واقعی هستند یا خیر.

تقسیم‌بندی قوه عقل

نزاع کلامی در حسن و قبح عقلی

دیدگاه اشاعره

(منکرین استقلال عقل)



عقل توانایی درک
حسن و قبح را ندارد و
نیکویی یا زشتی فعل
تنها وابسته به امر و
نهی شارع است.



دیدگاه عدلیه

(قائلین به استقلال عقل)



عقل به طور مستقل
و پیش از بیان شرع،
توانایی درک نیکویی
(حسن) و زشتی (قبح)
افعال را دارد.

حقیقت حسن و قبح

مراد از حسن، استحقاق مدح (ستایش) و مراد از قبح، استحقاق ذم (نکوهش)
نزد عقلا به دلیل مصلحت یا مفسده عامه است.

معیارها و قواعد استنباط

قاعده ملازمه

كُلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ، حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ

یعنی هرگاه عقل حکمی قطعی صادر کند، شرع
نیز بر همان اساس حکم می‌کند.

محدودیت عقل در
در مصالح و مفاسد



طبق حدیث امام سجاد (ع)، دین خدا
با عقول ناقص به دست نمی‌آید؛ لذا
عقل تنها در موارد قطعی و مستقلات
عقلی حجت است، نه در همه جزئیات.

ادراک عقلی نیکویی عدالت و امانت،
منجر به حکم شرعی وجوب قضا و
وجوب رد و دیعه می‌شود.



وجوب شرعی

ادراک عقلی زشتی ستم و غصب
(تصرف در حق غیر)، منجر به حکم
شرعی «حرمت غصب» می‌گردد.



حرمت شرعی

تمامی عقلا زشتی دروغ زیان‌باز را درک
می‌کنند که مبنایی برای استنباط
حرمت آن در شرع است.



حرمت شرعی



حسن عدل



قبح ظلم



قبح کذب ضار



از ادراک عقلی
تا حکم شرعی
(تطبیقات)

درس ۲۹

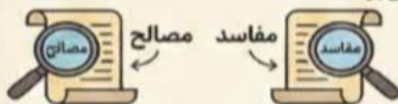
قاعده ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع

پیوند جدایی ناپذیر میان حکم عقل و حکم شرع (کلّ ما حکم به العقل، حکم به الشرع). محتوا به دو شاخه اصلی عقل عملی (تحسین و تقبیح) و عقل نظری (درک مصالح و مفاسد) تقسیم شده و نقش هر یک را در استنباط حکم شرعی تبیین می‌کند.

بخش دوم: ملازمه در عقل نظری (مصالح و مفاسد)



● **تبعیت احکام از مصالح و مفاسد**
احکام شرعی تابع مناسبات (مصالح و مفاسد واقعی) هستند و عقل نظری با درک این مناسبات به حکم شرع پی می‌برد.



● شرط قطعیت در عقل نظری

● ملازمه در عقل نظری تنها زمانی تمام است که عقل به صورت «قطعی» و بدون احتمال مانع، به مناط حکم دست یابد.



«واجب عقلی چیزی است که عقلا از ترک آن ناخشنودند و خداوند (خالق عقلا) نیز از آن کراهت دارد.»



بخش اول: ملازمه در عقل عملی (حسن و قبح ذاتی)



● **قاعده ملازمه در عقل عملی**
هرگاه عقل حسن یا قبح فعلی را نزد جمیع عقلا درک کند، شرع نیز به عنوان «رئیس عقلا» همان حکم را صادر می‌کند.



● تبدیل ادراک عقلی به حکم شرعی

● محبوبیت و مدح عقلانی (thumbs up icon)
● وجوب شرعی (crown icon)
● مذموم بودن (thumbs down icon)
● حرمت شرعی (lock icon)

کاربرد فقهی: قبح بدعت

چون عقل اسناد بدون علم به دین را قبیح می‌داند، به حکم ملازمه، بدعت در شرع حرام است.



مقایسه جایگاه عقل عملی و نظری در اثبات حکم شرعی

نتیجه شرعی	موضوع ادراک	نوع عقل
وجوب و حرمت شرعی	حسن و قبح (شایستگی عمل)	عقل عملی
کشف اتّی حکم شرع (در صورت قطع)	مصالح و مفاسد (مناسبات احکام)	عقل نظری

درس ۳۰: ماهیت و احکام تجری در علم اصول

تقسیم بندی حالات مکلف در مواجهه با قطع

تعریف اصطلاحی تجری	تفاوت تجری، عصیان، انقیاد و اطاعت	
مخالفت عمدی مکلف با قطع خود، در حالی که در واقع وجود نداشته است.	عصیان و اطاعت در صورت اصابت قطع به واقع، و تجری و انقیاد در صورت خطای قطع معلق می شوند.	
وضعیت	مطابقت قطع با واقع	رفتار مکلف
اطاعت	مطابق با واقع	موافقت با قطع
عصیان	مطابق با واقع	مخالفت با قطع
انقیاد	مخالف با واقع	موافقت با قطع
تجری	مخالف با واقع	مخالفت با قطع

احکام عقلی و شرعی تجری

تطبیق فقهی: وضو با آب مشکوک	طغیان و سوءسریه	قبح فاعلی در برابر قبح فعلی
اگر کسی به گمان غصبی بودن یا آبی وضو بگیرد و سپس معلوم شود ملک خودش بوده، وضو صحیح است.	تجری نشان دهنده خروج از رسم عبودیت و هتک حرمت مولا توسط مکلف است.	در تجری، «فاعل» به دلیل سوءسریه قبیح است (قبح فاعلی). اما «فعل» حرام شرعی نمی شود (قبح فعلی).

مبحث اجزاء در علم اصول فقه

تبیین تقسیم‌بندی اوامر (اختیاری، اضطراری و ظاهری) و بررسی کفایت امتثال امر ثانوی از امر واقعی (قاعده اجزاء).



«درس ۳۲»

مسأله‌ی اجزاء: کفایت مأموریه از امر واقعی

این اینفوگرافیک به بررسی یکی از مباحث کلیدی علم اصول فقه، یعنی «اجزاء» می‌پردازد؛ به این معنا که آیا انجام مأموریه بر اساس امر اضطراری یا ظاهری، فرد را از انجام مجدد تکلیف (اعاده در وقت یا قضا در خارج وقت) بی‌نیاز می‌کند یا خیر.

بخش اول:

اجزاء مأموریه اضطراری از مأموریه اختیاری



ماهیت اجزاء در امر اضطراری
انجام تکلیفی که به دلیل عذر شرعی جایگزین شده (مانند تیمم به جای وضو).



دیدگاه عقلی و شرعی
عقل در صورت احراز وفای غرض و شرع بر اساس ظاهر ادله، حکم به اجزاء می‌دهند.



جواز بدار (شروع در اول وقت)
اگر مکلف بداند عذرش تا پایان وقت باقیست، می‌تواند در اول وقت عمل اضطراری را انجام دهد.



بخش دوم:

اجزاء مأموریه ظاهری از مأموریه واقعی



ماهیت اجزاء در امر ظاهری
انجام تکلیف بر اساس حکم ظاهری (مانند فتوا) که بعداً کشف خلاف شود.



قاعده عدم اجزاء
قاعده عقلی، عدم کفایت عمل ظاهری از مصلحت واقع در صورت کشف خلاف است.



استثنائات تسهیلی
شارع گاهی برای تخفیف بر بندگان، عمل ناقص را از واقع مجزی می‌داند (مانند جهر و اخفات).

مقایسه کاربردی کاربردی دو نوع مأموریه در مسأله اجزاء.

موضوع مورد بحث	مثال فقهی	حکم کلی (مقتضای اصل)
مأموریه اضطراری	نماز نشسته برای عاجز از قیام	✓ قائل به اجزاء (عدم نیاز به اعاده)
مأموریه ظاهری	نماز جمعه در عصر غیبت (بنا بر ظن)	✗ عدم اجزاء (مگر با دلیل خاص)

درس ۳۳- بررسی تحلیلی و اصولی «مقدمه واجب»

این بخش به
بررسی یکی از مباحث کلیدی
علم اصول یعنی «مقدمه واجب» می‌پردازد. محور
اصلی بحث این است که آیا وجوب شرعی یک عمل
(ذی‌المقدمه)، شرعاً مستلزم وجوب مقدمات آن نیز هست یا خیر؟
در این میان، ضمن تبیین محل نزاع، ادله موافقان و مخالفان و همچنین
مقدمات خارج از شمول این بحث (مقدمه وجوبیه و علمیه) بررسی شده است.

بخش دوم:
ادله طرفین و موارد
خارج از بحث

بخش اول:
ماهیت و محل نزاع
در مقدمه واجب

مقایسه
دیدگاه‌های اصلی
در مسئله وجوب مقدمه

دیدگاه	دلیل اصلی	نوع وجوب مورد بحث
مثبتین (مشهور)	وجدان و ملازمه عقلی	وجوب شرعی غیری
منکرین	لغویت (عدم نیاز به جعل مجدد)	وجوب شرعی غیری
وجوب عقلی	توقف وجودی ذی‌المقدمه	وجوب لایذی نه وجود آن

تعریف اصولی مقدمه واجب
هر آن چه وجود واجب بر آن توقف
دارد و واجب بدون آن تمام نمی‌شود
(مقدمه وجودیه).

تحریر محل نزاع
(ملازمه عقلی و شرعی)
بحث در ثبوت ملازمه بین وجوب
عقلی مقدمه و وجوب شرعی غیری
آن نزد شارع است.

ثمره اصولی بحث

وقوع نتیجه این بحث در طریق
استنباط احکام شرعی برای
مقدمات واجبات.

خروج موضوعی
مقدمه علمیه

اموری که برای یقین به امتثال
واجب انجام می‌شوند و از
محل نزاع خارج هستند

درس ۳۴: اقتضای امر نسبت به نهی از ضد



درس ۳۵

بخش اول:
مبانی استدلال بر حرمت اضدّ خاصّ



مسلك المقدمية

ترك ضدّ خاص، از اجزای علّت تامه (عدم المانع) و مقدّمی برای انجام واجب اصلی است.

ترك ضد = عدم المانع → وجوب ترك ضد



فعل واجب ترك ضدّ

مسلك تلازم

واجب و ترك الضدّ الخاصّ آن یا هم متلازم هستند و متلازمین حکم واحدی دارند.

نقد و بررسی (ملاحظه)

در مقدّمیت، خلط بین مانع
تکوینی و عدم اجتماع است؛
در تلازم، لزوماً دو متلازم حکم
یکسان ندارند.

بخش دوم:
ثمره فقهی و کاربردی مسأله

مثال إزالة النجاسة و نماز



إزالة النجاسة
(واجب فوری)



نماز
(الضدّ الخاصّ / واجب موسّع)

اگر امر به «إزالة النجاسة» مقتضی نهی از «نماز» باشد، نماز (الضدّ الخاصّ) منهی عنه می‌شود.

فساد عبادات



طبق مبنای اقتضا، چون نهی در عبادات موجب فساد است، انجام ضدّ عبادی باطل خواهد بود.

ترتّب عصیان

ثمره دیگر بحث، ترتّب عصیان و آثار شرعی آن بر فعل ضدّ (مانند فسق) است.



درس ۳۶

تبیین تحلیلی مسأله اجتماع امر و نهی

تحلیل صور سه گانه رابطه عنوان و معنون

وحدت عنوان و معنون	تعدد عنوان و معنون	تعدد عنوان و وحدت معنون (محل نزاع)
عنوان	عنوان	عنوان
عنوان	عنوان	عنوان
مانند «صل» و «لا تصل»؛ به دلیل تضاد، اجتماع امر و نهی در آن محال است.	مانند «صل» و «لا تنظر الی الأجنیه»؛ دو فعل مستقل که با هم نمی‌توانند.	مانند «نماز در زمین غصبی»؛ فعلی واحد که دو عنوان بر آن منطبق است.
ممتنع	جائز (خارج از بحث اجتماع)	مورد اختلاف اصولیون

تبیین دیدگاه‌ها در محل نزاع

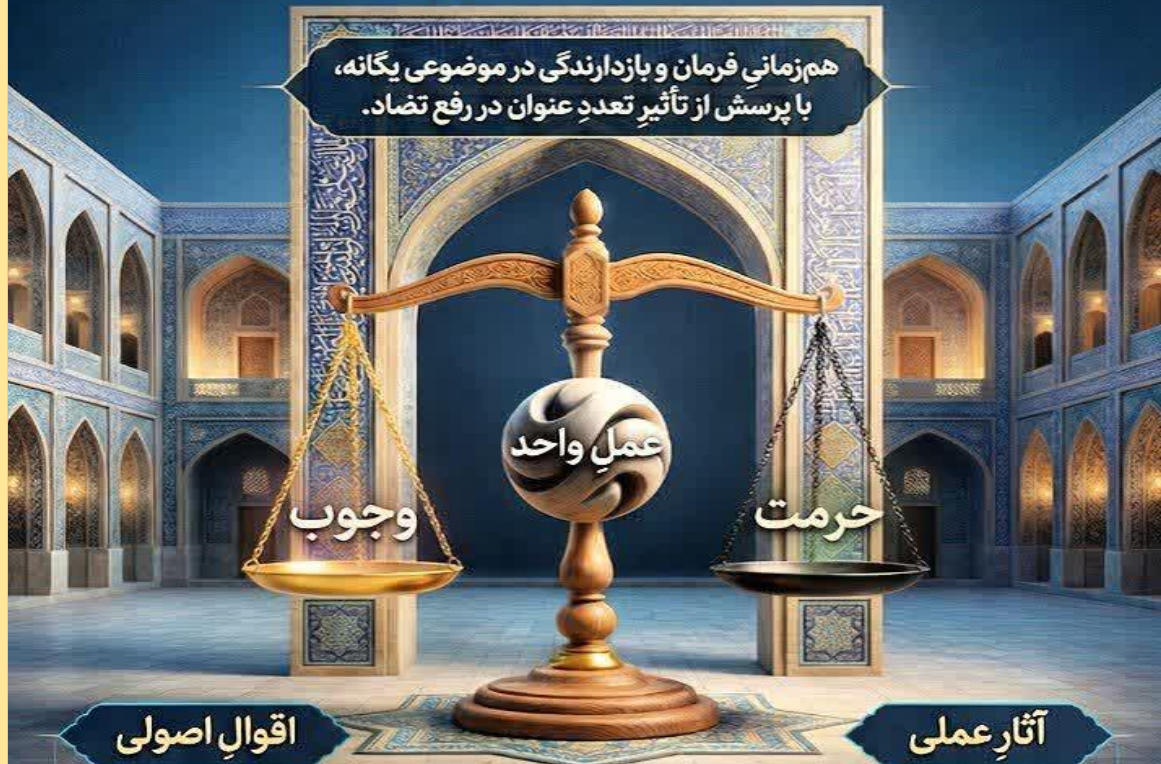
قائلین به امتناع (امتناعیون)	قائلین به جواز (جوازیون)
معتقدند معنون (فعل خارجی) واحد است و نمی‌تواند هم‌زمان هم واجب و هم حرام باشد.	معتقدند تعدد عنوان باعث می‌شود که امر و نهی به دو جهت مختلف برگردند.

امر به وضو و نهی
از غصب، هر دو بر یک
فعل (استعمال آب)
منطبق شده‌اند

درس ۳۷

تَلَاقِی حَکَمِی (اجتماع امر- نهی)

هم‌زمانی فرمان و بازدارندگی در موضوعی یگانه،
با پرسش از تأثیر تعدد عنوان در رفع تضاد.



اقوال اصولی

آثار عملی



امتناع

باور مشهور مبنی بر تضاد
ذاتی طلب و منع.



جواز

نظر متأخرین، استوار بر
کثرت اعتباری عناوین.



تفصیل

تمایز میان درک برهانی
و مفاهیم عرفیه.

درستی

بطلان



اعتبار عبادی

تعیین صحت یا فساد طاعات.



مثال تطبیقی

وضو با جیره غصیه.

درس ۳۸

اقتضاء النهی للفساد (در عبادات)



حقیقت نزاع؛ تلازم عقلی نهی و فساد

آیا نهی شارع از یک عبادت، عقلاً مستلزم بطلان و عدم صحت آن است؟



فقدان «حسن فعلی» به دلیل مبعوضیت

عبادت باید محبوب خدا باشد، اما «نهی» کاشف از مبعوض بودن عمل نزد مولاست.

قصد قربت



استحاله تحقق «حسن فاعلی»

فاعل نمی تواند با انجام عملی که مورد نهی خداست، قصد قربت و نزدیکی به او کند.



تمایز نهی مولوی از ارشادی و کراهت



درس ۳۹

اقتضاء النهی عن المعامله



معامله هر فعلی است که غرض از آن بدون قصد قربت حاصل شود (مانند بیع)



معنای معامله و فساد در این بحث
فساد یعنی عدم ترتب اثر شرعی (عدم انتقال مالکیت)

اصل عدم دلالت نهی بر فساد

تفکیک نهی مولوی
از نهی ارشادی



نواهی ارشادی
(مانند نهی از بیع غرر)
دلالت بر فساد دارند
چون به فقدان شرط یا
جزء اشاره می‌کنند.



نواهی مولوی

— **×** نهی **×** فساد —

حق این است که نهی در معاملات مقتضی فساد نیست؛ مانند بیع وقت نداء نماز جمعه که حرام است اما معامله صحیح می‌باشد.

نسبت میان حرمت و فساد

گاهی فقط حرام است	گاهی فقط فساد است	گاهی هر دو
بیع وقت نداء	بیع صبی	بیع خمر

نظر شیخ انصاری در مطارح الانظار

نهی از معامله به عنوان فعلی از افعال مکلف (مانند شرب خمر)، با صحت معامله و ترتب اثر شرعی منافاتی ندارد.



درس ۴۰

سیره و عرف: تجلی رفتار در آینه استنباط



سیره عقلاییه؛ بنای خردمندان عالم

رفتار مستمر عقلا بدون در نظر گرفتن دین که برای حجیت نیازمند «معاصرت با معصوم» و «عدم ردع» است.

سیره متشرعه؛ تدبیر در مقام عمل

رفتاری که از حیث متشرع بودن مسلمانان شکل گرفته و خودبه خود کاشف از حکم شرعی است.



نقش عرف در تفسیر مفاهیم

رجوع به عرف برای فهم معنای کلماتی مانند «کعب» یا «صعید» در آیات و روایات.

عرف در استظهارات و موضوعات

عرف مرجع تشخیص ظهور کلام (مانند اطلاق) و تعیین مصادیق موضوعات (مانند نفقه یا اتلاف) است.



درس ۴۱

الإجماع: جایگاه و طرق کشف قول معصوم (ع)

ماهیت و ملاک حجیت اجماع

تعریف اصطلاحی اجماع

اتفاق جماعتی از فقها که کاشف از رأی معصوم (ع) باشد.



ملاک حجیت (مناط)

اعتبار اجماع نزد امامیه، صرفاً به دلیل کشف از قول معصوم است، نه اتفاق نظر؛ بمان هو اتفاق.

تفاوت با
عامه
(اهل سنت)

بخش دوم: روش‌های کشف قول معصوم

(طرق استکشاف)



طریقه دخول و لطف

دخول (حضور نامعلوم امام در میان مجمعین) و لطف (واجب بودن هدایت امت توسط امام).



طریقه حدس (ملازمه عادی و اتفاق)

حدس قطعی نظر امام از طریق تلازم بین فتاوی فقها و میانی رئیس مذهب.



اجماع مدرکی

اگر مستند فقها در اجماع معلوم باشد، خود اجماع حجت نیست و باید به آن مستند رجوع کرد.

درس ۴۲

امکان تعبد به دلیل ظنی



اعتبار دلیل ظنی در گرو جعل
حجیت» از سوی شارع است

دلیل ظنی؛ الحد الأوسط در قیاس استنباط



دلیل ظنی (مانند خبر واحد) حدّ وسطی
است که شارع آن را برای اثبات حکم
صغرا معتبر دانسته است.

تمایز ظنّ نوعی و ظنّ شخصی



موضوع بحث اصول، «ظنّ نوعی» است؛
یعنی سببی که نوعاً ایجاد ظن می‌کند،
حتی اگر شخصاً برای کسی یقین‌آور نباشد.

مصلحت تسهیل؛ فلسفه حجیت ظن



شارع برای جلوگیری از سختی (عسر)
در تحصیل قطع، عمل به ظنّ معتبر را
برای مکلفان جایز کرده است.

امکان عقلی از دیدگاه شیخ انصاری



عقل راهی برای اثبات محال بودن
تعبد به ظن ندارد؛ پس طبق سیره عقلا،
این امر ممکن تلقی می‌شود.

درس ۴۳: اصل اولی در ظنون (عدم حجیت)

فهم این مطلب که در صورت شک در اعتبار هرگونه «ظن» (گمان)، اصل بر عدم حجیت و عدم جواز استناد به آن است.



اقسام ظهور و راه‌های شناخت آن

ظهور تصویری (ظهور مفهومی)

معنای اولیه لفظ در ذهن

این ظهور فقط نتیجه آگاهی از معنایی است که لفظ برای آن وضع شده است.



راه دستیابی: تحقیق در کتب لغت

با جستجو در کتب لغت و آثار علما، اطمینان به معنای اصلی کلمه حاصل می‌شود.



قول لغوی به تنهایی کافی نیست

زیرا اغلب، معانی حقیقی و مجازی از هم تفکیک نشده‌اند و اطمینان لازم است.



ظهور تصدیقی (ظهور مقصودی)

معنای مورد اراده گوینده

این ظهور نشان می‌دهد که گوینده قصد بیان چه معنایی را داشته است.



راه دستیابی: توجه به حال گوینده

از وضعیت و شرایط گوینده (مانند هوشیاری و جدیت) می‌توان به قصد او پی برد.



تأثیرپذیری از قرینه متصله

قرینه‌ای که همراه کلام می‌آید، بر ظهور تصدیقی و تشخیص مراد گوینده تأثیر مستقیم دارد.



حجیت ظهور: چرا به معنای ظاهری متن تکیه می‌کنیم؟

دلیل اصلی حجیت ظاهر: سیره عقلا

مقدمه اول: عقلا در ارتباطات خود به ظواهر تکیه می‌کنند.

برای انتقال مقصود، صرفاً به کلمات با دلالت قطعی اکتفا نمی‌کنند.



مقدمه دوم: شارع (قانون‌گذار دین) این سیره را تأیید کرده است.

شارع نه تنها این روش را منع نکرده، بلکه خود نیز از آن استفاده کرده است.



نتیجه: عمل به ظاهر در احکام شرعی، حجت و لازم است.

بنابراین، می‌توان برای اثبات احکام شرعی به معنای ظاهری آیات و روایات استناد کرد.



شروط و نکات کلیدی

ملاک اعتبار، «ظن نوعی» است، نه «ظن شخصی».

مهم این است که کلام برای نوع مردم، ظهور در معنایی داشته باشد.



شرط اصلی: قرینه‌ای بر خلاف ظاهر وجود نداشته باشد.

در صورت وجود قرینه (نشانه مخالف)، قرینه بر ظاهر مقدم است و معنای دیگری فهمیده می‌شود.



ضرورت فحص: قبل از عمل به ظاهر، باید از نبود قرینه جستجو کرد.

حجیت ظهور مشروط به جستجو از قرینه‌های منفصل (مانند مخصصات) است.



مناظره‌ای بر حجت ظواهر قرآن

دیدگاه اخباریون: چرا ظواهر قرآن حجت نیست؟



دو اشکال اساسی



۱. عدم تحقق ظهور
(معنای ظاهری برای قرآن
ثابت نیست)

۲. عدم حجیت ظهور
(بر فرض ثبوت، قابل
استناد نیست)



استناد به روایات

به احادیثی استناد می‌کنند که
فهم قرآن را مختص به اهل بیت
دانسته و آن را دور از عقول
مردم معرفی می‌کند



یک اصل مشترک

مجتهدین نیز حجیت ظواهر را مشروط به جستجو
از قرائن در کلام معصومین (ع) می‌دانند

پاسخ و نقد: دفاع از حجیت ظواهر قرآن



ظهور قرآن امری
وجدانی است



پاسخ به اشکالات

روایات مورد استناد، ناظر
به بطن و تأویل آیات است
نه معنای ظاهری



ادله‌ی مخالف: محوریّت قرآن در روایات



حدیث ثقلین و روایات
«عَرَضَهِ بر قرآن» بر لزوم
مراجعه به ظواهر قرآن
و حجیت آن دلالت دارند



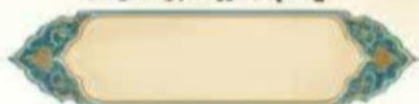


حجیت خبر واحد: ادله و مبانی

در علم اصول فقه، بر سر حجیت (اعتبار شرعی) خبر واحد اختلاف نظر وجود دارد. در حالی که گروهی از متقدمین آن را حجت نمی‌دانستند، اکثر اصولیون متأخر بر اساس ادله‌ای از کتاب (قرآن) و سنت، حجیت اجمالی آن را پذیرفته‌اند. این اطلاع‌نگاشت به بررسی مهم‌ترین این ادله می‌پردازد.

ادله قرآنی

آیه نبأ (سوره حجرات، آیه ۶)



تحقیق از
خبر فاسق

پذیرش
خبر عادل

مفهوم شرط آیه: لزوم تحقیق از خبر فاسق، دلالت بر عدم لزوم تحقیق و پذیرش خبر عادل دارد.

آیه نفر (سوره توبه، آیه ۱۲۲)



وجوب «خبر» (پرهیز و پذیرش) در برابر انذار فقها، حجیت قول و خبر آنان را ثابت می‌کند.

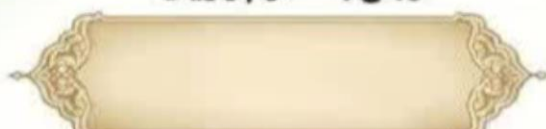
استدلال به سنت

ارجاع به اصحاب خاص



التمه اظهار (ع) مردم را برای اخذ معلومات دینی به اصحاب مورد اعتماد خود مانند زراره و محمد بن مسلم ارجاع می‌دادند.

ارجاع به عموم راویان



در توقیع شریف آمده: «فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا... فَإِنَّهُمْ حُجَّتُنَا عَلَیْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ».



تشویق به نقل و ثبت حدیث

روایات متعددی از پیامبر (ص) و ائمه (ع) در ترغیب به حفظ و نقل حدیث، جواز اعتماد به خبر واحد را نشان می‌دهد.

دلایل حجیت خبر واحد

تبیین دو دلیل اصلی: اجماع و سیره عقلا

۱. استدلال به اجماع



ادعای اجماع توسط شیخ طوسی

شیخ طوسی مدعی است که فقهای شیعه بر عمل به خبر واحد اجماع داشته‌اند.

دیدگاه مخالف سید مرتضی

او عمل به خبر واحد را مانند قیاس، باطل و شعار شیعه را ترک آن می‌دانست.



راه حل شیخ طوسی برای تعارض

شیعه فقط با خبر واحدی که مخالف نقل خودشان باشد مخالفت می‌کند، نه هر خبر واحدی.

۲. استدلال به سیره عقلا



سیره عقلا چیست؟

روش رایج و همیشگی مردم عاقل در عمل به خبر فرد مورد اعتماد (ثقه) است.



تأیید و امضای معصوم (ع)

امامان این روش را در جامعه دیدند و چون از آن منع نکردند، آن را تأیید کرده‌اند.



نتیجه نهایی

خبر واحد به طور اجمالی حجت است و رد کردن مطابق آن صحیح نیست.



اقسام خبر واحد و میزان اعتبار آن



اخبار معتبر (حجّت)

اخباری که بر اساس سیره عقلا و ادله شرعی، مبنای استنباط حکم شرعی قرار می‌گیرند.

خبر ضعیف (غیر حجّت)

خبری که به طور مطلق حجّت نیست و داخل در ادله حجیت خبر واحد محسوب نمی‌شود.



۱. خبر صحیح

خبری که در حجیت آن تردیدی نیست و از بالاترین درجه اعتبار برخوردار است.



۲. خبر حسن

راوی آن مدح شده و در صورتی که وثاقت او فهمیده شود، مانند خبر صحیح است.



۳. خبر مؤثق

راوی آن مورد وثوق و اطمینان است، هر چند از نظر مذهبی با ما هم عقیده نباشد.

قواعد خاص در اعتبار اخبار



تأثیر عمل و اعراض مشهور فقها



اعراض مشهور (کاسر)

رویگردانی مشهور از یک خبر صحیح، اعتبار آن را از بین می‌برد و آن را از حجیت ساقط می‌کند.



عمل مشهور (جابر)

عمل کردن مشهور به یک خبر ضعیف، ضعف آن را جبران می‌کند و آن را معتبر می‌سازد.



قاعده «تسامح در ادله سُنَن»

بر اساس این قاعده، برای اثبات مستحبات و مکروهات، به شرایط حجیت خبر (مانند وثاقت) نیازی نیست.



دلیل اصلی: روایات «مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ» روایاتی که می‌گویند اگر کسی خبری در مورد ثواب یک عمل بشنود و به آن عمل کند، پاداش خواهد داشت.



اشکال به قاعده

این پاداش ممکن است به دلیل انقیاد و تسلیم بنده باشد، نه اثبات شرعی بودن خود عمل.



اجماع منقول: چیستی، اقسام و حجیت

تعریف و ارکان اجماع منقول

تعریف: اجماعی که توسط فردی برای فرد دیگری نقل می‌شود و دارای سه رکن است: ناقل، منقول و منقول‌الیه.



اقسام اجماع منقول



۱. منقول به خبر متواتر

نقلی که توسط افراد بسیار صورت گرفته و برای شنونده، یقین به وجود اجماع حاصل می‌شود.

۲. منقول به خبر واحد

نقلی که توسط یک یا چند فقیه انجام شده و موجب قطع و یقین به ثبوت اجماع نمی‌شود.

دیدگاه‌ها در حجیت اجماع منقول به خبر واحد



حجّت شهرت فتوایی در اصول فقه

«شهرت فتوا» به معنای مشهور بودن یک نظر فقهی در میان فقهاست.

مسئله:
جایگاه شهرت
فتوایی در استنباط

**اقوال در حجّت
شهرت فتوا**

شهرت چیست؟
شهرت در روایت
شهرت در عمل به روایت
شهرت در فتوا

حجّت مطلق
عدم حجّت مطلق

تفصیل بین فتوای مشهور
قدما و متأخرین

بررسی ادله و نتیجه نهایی

دلیل اول:
ظن قوی‌تر از خبر واحد

شهرت

ظن حاصل از شهرت
قوی‌تر است

نقد: نوع ظن متفاوت است
و ملاک حجّت خبر واحد
صرفاً ظن نیست

دلیل دوم:
روایت مرسله زراعه

استدلال: امام (ع) به اخذ قول
مشهور امر فرمودند

نقد: سند روایت ضعیف (مرسل)
است و موضوع آن تعارض
دو خبر است، نه فتوا

نتیجه:
عدم حجّت
ذاتی شهرت

دلیلی بر حجّت شهرت فتوایی وجود
ندارد، مگر اینکه کاشف قطعی از
از وجود یک دلیل معتبر باشد که
به ما نرسیده است

تفاوت شهرت قدما و متأخرین

زمان معصومین (ع)

قدما
شهرت بین قدما به دلیل نزدیکی به زمان معصومین (ع)
ارزش بیشتری در کشف از دلیل معتبر دارد

متأخرین

تصویر ۵۳ شهرت فتوائیه؛ درس پنجاه و دوم



امارات غیر معتبر در اصول فقه

در علم اصول فقه، برخی از دلایل برای استنباط حکم شرعی به دلیل مبتنی بودن بر ظن و گمان، معتبر (حجت) شناخته نمی‌شوند. این اطلاع‌نویس به تعریف و بررسی دلایل عدم اعتبار سه مورد از مهم‌ترین این امارات ظنی می‌پردازد.



تعریف قیاس

جاری کردن حکم یک موضوع (اصل) برای موضوع دیگر (فرع) به دلیل وجود علت مشترک.

ارکان چهارگانه قیاس

۱. اصل (موضوع دارای حکم)
۲. فرع (موضوع جدید)
۳. حکم
۴. علت مشترک.

دلیل عدم حجیت نزد شیعه

عدم قطع به علت واقعی حکم و وجود نهی شدید از سوی شارع در روایات معصومین.



مصلح مرسله

تعریف مصلح مرسله

مصلحی که شارع نه اعتبار آن را تصریح کرده و نه آن را لغو نموده است.

دلیل عدم حجیت

این روش به ظن در حکم شرعی منتهی می‌شود و اصل بر عدم حجیت ظن است.



استحسان

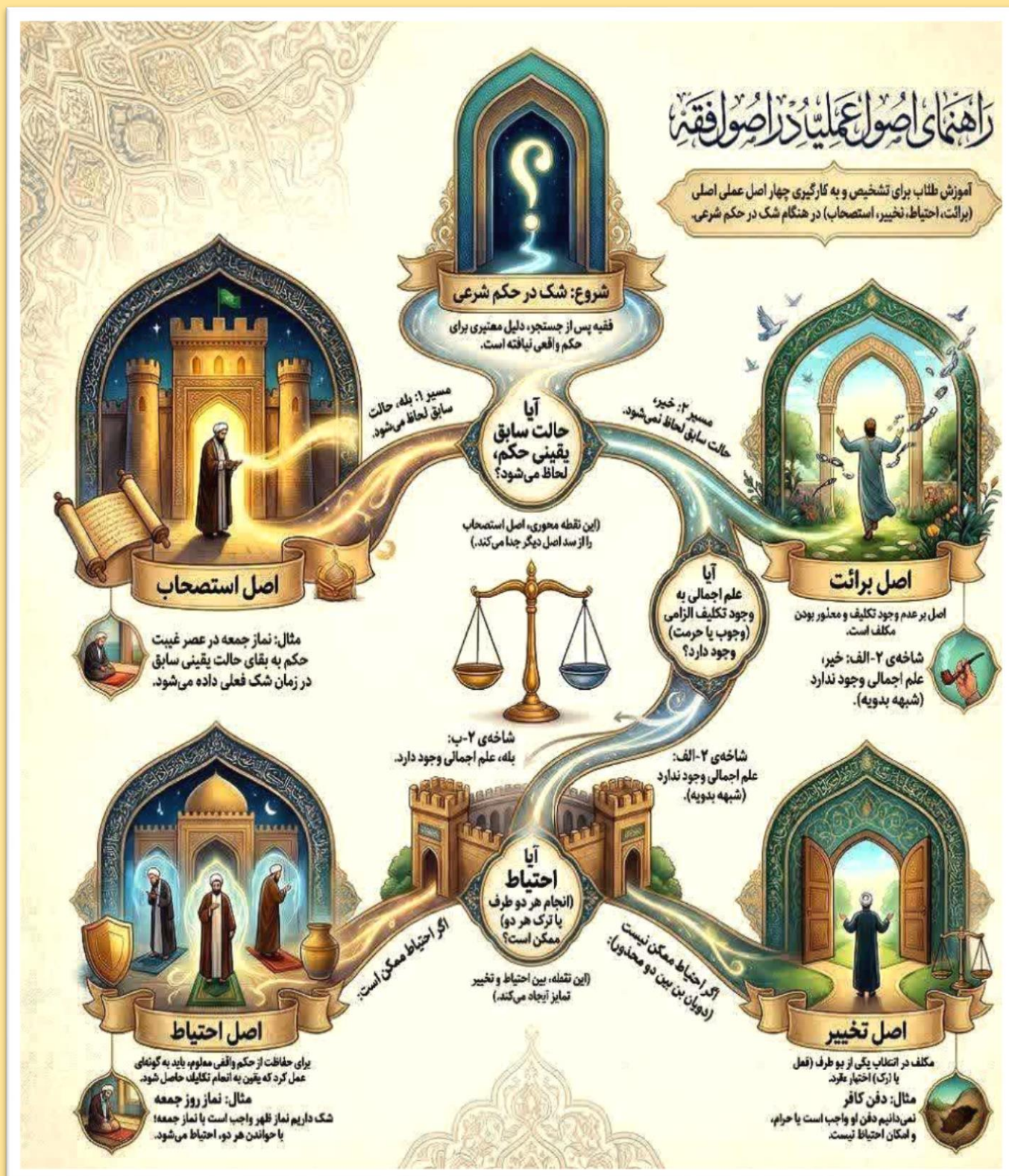
تعریف استحسان

دلیلی شخصی که در ذهن مجتهد شکل می‌گیرد اما بیان و تبیین آن دشوار است.

دلیل عدم حجیت

از حد ظن و گمان فراتر نمی‌رود و روایات، عمل به نظرات شخصی را منع کرده‌اند.





تصویر ۵۵ اصول عملیه و مجاری آن؛ درس پنجاه و چهارم





اصل برائت: استدلال عقلی



محور نزاع: تکلیف در شبهات

مسئله اصلی:
تکلیف در شبهه چیست؟
هنگامی که پس از فحص و جستجو، حکمی (وجوب یا حرمت) برای ما معهود روی برای ما معلوم نباشد، وظیفه چیست؟



مجتهدین
اصل برائت (عدم تکلیف)



دو دیدگاه متقابل



اخباریون
لزوم احتیاط

دلیل عقلی مجتهدین بر برائت



قاعده کلیدی: قُبْحُ عِقَابِ بِلَا بَيَانٍ

عقل به طور مستقل درک می‌کند که مجازات کردن بنده بدون بیان و ابلاغ تکلیف، قبیح و ناشایست است.



منظور از «عدم بیان» چیست؟
یعنی تکلیف از طریق علم یا دلیل معتبر شرعی به مکلف نرسیده باشد.



نتیجه: برائت عقلیه

حکم عقل به عدم شایستگی مجازات در تمام شبهات (حکمی و موضوعیه)، «برائت عقلیه» نامیده می‌شود.

استدلال قرآنی بر اصل براءت



دلیل اصلی از قرآن: آیه نفی عذاب

آیه مورد استناد: آیه ۱۵ سوره اسراء

﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾

(ما قومی را عذاب نمی‌کردیم تا رسولی برایشان بفرستیم)

وجه استدلال: عدم عذاب قبل از بیان حکم

کلمه «رسول» کنایه از «بیان احکام» است؛ پس تا حکمی بیان نشود، عذابی در کار نیست.



نتیجه: در شبهات، عقابی بر مخالفت نیست

زیرا با وجود جستجو (فحص)، بیانی از تکلیف به دست نیامده و موضوعی برای عقاب وجود ندارد.

اشکال و پاسخ به استدلال

اشکال: آیه به عذاب دنیوی امت‌های گذشته اختصاص دارد



استفاده از فعل ماضی «ما کُنَّا» (نمی‌کردیم) نشان می‌دهد آیه مربوط به گذشته است.

پاسخ: آیه بر قاعده کلی «قبح عقاب بلا بیان» دلالت دارد



عقاب کردن بنده پیش از بیان تکلیف، با شأن خداوند متعال سازگار نیست و این یک قاعده عقلی و کلی است.

گستره قاعده: شامل دنیا و آخرت

این قاعده کلی است و تفاوتی بین عذاب دنیوی و اخروی یا امت‌های گذشته و آینده وجود ندارد.

ادله نقلی بر اصل براءت



اصل براءت: وظیفه‌ای در هنگام شک در تکلیف شرعی وجود ندارد.



حدیث رفع

«رَفَعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةَ...
وَمَا لَا يَعْلَمُونَ»

استدلال به «ما لا يعلمون»:
تکلیف مشکوک، مصداق
نه: «آنچه نمی‌دانند» است؛
لذا مواخذه‌ای ندارد.

شمول براءت شرعی: این
حدیث، براءت را در شبهات
حکمی و موضوعیه ثابت
می‌کند.



حدیث حجب

«مَا حَجَبَ اللَّهُ عِلْمَهُ عَنِ
الْعِبَادِ فَهُوَ مَوْضُوعٌ عَنْهُمْ»

روایتی از امام صادق (ع) که بیان می‌کند
آنچه خداوند علمش را از بندگانش
پوشانده، از آنان برداشته شده است.

تکلیف مشکوک، علمی
پنهان است: چون علم به
تکلیف مشکوک پوشیده
است، مواخذه‌ای بر مخالفت
با آن نخواهد بود.

اختصاص به شبهات حکمی:
این حدیث بیشتر ناظر به شک در
خود حکم شرعی است و شامل
شبهات موضوعیه نمی‌شود.



حدیث سعة

«النَّاسُ فِي سَعَةٍ
مَا لَمْ يَعْلَمُوا»

حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که می‌فرماید
مردم تا زمانی که به تکلیفی علم
ندارند، در آسایش و آزادی هستند.

اثبات آزادی و رخصت:
این حدیث به روشنی بر
جواز و رخصت شرعی برای
مکلف در تمام شبهات
تکلیفی دلالت دارد.

ضعف سند: به دلیل مُرسَله
بودن، این حدیث بیشتر به
عنوان مؤید و نه دلیل اصلی
به کار می‌رود.

تصویر ۱۵۹ ادله مجتهدین بر براءت در شبهه در تکلیف



وجوب احتیاط در شبهات: دیدگاه اخباریون و پاسخ مجتهدین

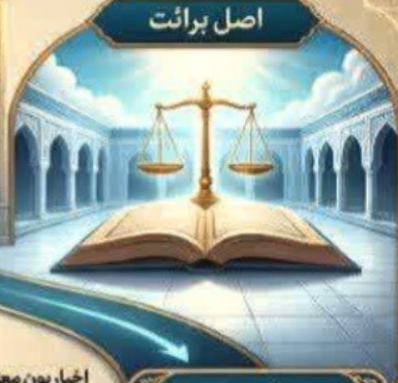
وجوب احتیاط



اخباریون

شبهات حکمیه

اصل برائت



مجتهدین

اخباریون معتقدند در شبهات حکمیه، احتیاط واجب است و به کتاب، سنت و عقل استدلال می‌کنند. مجتهدین این ادله را نقد کرده و به اصل برائت قائل هستند.

استدلال به قرآن و پاسخ آن



دلیل اخباریون:
آیات قرآن بر وجوب احتیاط دلالت دارند.

استناد به نهی از پیروی بدون علم، امر به تقوا، و نهی از بهر هلاکت انداختن خود.



پاسخ مجتهدین:
این آیات بر مدعا دلالت ندارند.

عمل به «اصل برائت» مستند به علم است، نه جهل، و با وجود برائت، عقاب و هلاکت منتفی است.

استدلال به روایات و پاسخ آن



دلیل اخباریون:
روایات بر لزوم توقف در شبهات تأکید دارند.

استناد به روایاتی که به توقف هنگام شبهه و احتیاط در دین امر می‌کنند.



پاسخ مجتهدین:
این روایات یا بر استحباب دلالت دارند یا مربوط به موارد خاص هستند.

امر به احتیاط در این روایات ظهور در وجوب ندارد و با وجود دلیل بر برائت، «هلاکت» در شبهات بدوی وجود ندارد.

استدلال به عقل و نتیجه نهایی



دلیل اخباریون:
قاعده عقلی «وجوب دفع ضرر محتمل» احتیاط را واجب می‌کند.

احتمال وجود عقاب در مخالفت با تکلیف، یک ضرر محتمل است که دفع آن عقلاً واجب است.



پاسخ مجتهدین:
قاعده «قبح عقاب بلا بیان» بر آن حاکم است.

عقل، مجازات کردن بدون بیان و اتمام حجت را قبیح می‌داند، لذا احتمال ضرر از بین می‌رود.

نتیجه نهایی: دلیلی بر وجوب احتیاط در شبهات حکمیه وجود ندارد. در شبهات موضوعیه نیز اصل بر اباحه و ترخیص است و احتیاط واجب نیست.

اقسام شبهه در مکلف به (مجاری اصل احتیاط)

این اینفوگرافیک به بررسی اقسام شبهه‌ای می‌پردازد که در آن اصل تکلیف برای مکلف معلوم است، اما در جزئیات و مصداق آن شک وجود دارد. در چنین مواردی که علم اجمالی به تکلیف وجود دارد و احتیاط ممکن است، «اصل احتیاط» جاری می‌شود.

۱. دوران امر بین متباینین

شکی که در آن دو طرف احتمال، هیچ اشتراکی با هم ندارند و کاملاً از هم جدا هستند.



مثال برای متباینین:
شک در اینکه نماز واجب در روز جمعه، نماز ظهر است یا نماز جمعه.

۲. دوران امر بین اقل و اکثر

شکی که در آن یک طرف احتمال (اقل)، جزئی از طرف دیگر (اکثر) است.



الف) اقل و اکثر استقلالی

شک در تعداد تکالیف مستقل؛ مانند شک در تعداد نمازهای قضا شده که چهار نماز است یا پنج نماز.

حکم در استقلالی:

تکلیف به تعداد افراد متعدد و متحل می‌شود و با انجام اقل، به همان مقدار امتثال صورت گرفته است.

ب) اقل و اکثر ارتباطی



شک در تعداد اجزای یک تکلیف واحد؛ مانند شک در تعداد اجزا نماز که نه جزء دارد یا ده جزء (مثل شک در وجوب سوره).

حکم در ارتباطی:

تکلیف به تعداد اجزا متعدد نمی‌شود و با انجام اقل، امتثال تکلیف (حتی در مقمار اقل) محقق نشده است.

تکلیف در شبهه محصوره



علم اجمالی چیست؟

علم به یک تکلیف کلی همراه با تردید در مصداق و جزئیات آن.

اقسام شبهه ناشی از علم اجمالی



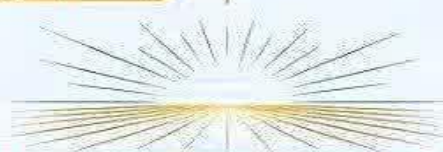
شبهه محصوره

گزینه‌های احتمالی:
محدود و قابل شمارش است.



مثال: علم به نجاست یکی از این دو لیوان.

حکم: احتیاط واجب است.



شبهه غیر محصوره

گزینه‌های احتمالی:
بسیار زیاد و نامحدود است.



مثال: علم به نجاست یکی از ظروف شهر تهران.

حکم: احتیاط لازم نیست.

دو اصل حاکم بر شبهه محصوره



اصل اول: حرمت مخالفت قطعی

ترک تمام گزینه‌های محتمل به طوری که یقین به ترک تکلیف حاصل شود، حرام است.



اصل دوم: وجوب موافقت قطعی (احتیاط)

باید به گونه‌ای عمل کرد که یقین به انجام تکلیف و برائت ذمه حاصل شود.

مبانی این دو اصل: عقل و نقل



دلیل عقلی
اشتغال یقینی مستلزم فراغ یقینی است



دلیل نقلی
موثق سماعه از امام صادق (ع) بر آن دلالت دارد.

حکَم شبهه غیر محصوره

شبهه غیر محصوره وضعیتی است که مکلف با تکلیفی الزامی (وجوب یا حرمت) در میان گزینه‌های بسیار زیاد و نامشخص روبرو می‌شود. این اطلاع‌نوشت، حکم دورویکرد اصلی در برابر این شبهه را بر اساس مبانی اصول فقه بررسی می‌کند.

حکم مخالفت قطعی

(حکم ارتکاب تمام اطراف شبهه)

مخالفت قطعی حرام است.



ارتکاب تمام اطراف شبهه، به دلیل اینکه مستلزم ارتکاب قطعی گناه است، جایز نیست.

حکم موافقت قطعی

(حکم احتیاط و رعایت تمام اطراف شبهه)

در شبهه تحریمیه، موافقت قطعی واجب نیست.



اجتناب از همه گزینه‌هایی که احتمال حرمت دارند، به دلیل ایجاد سختی و حرج، لازم نیست.

ادله عدم وجوب:

قاعده نفی حرج و روایات



مستند به آیه «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» و روایاتی مانند جواز خرید پنیر.

در شبهه وجوبیه،

موافقت قطعی واجب نیست.



انجام تمام گزینه‌هایی که احتمال وجوب دارند، اگر مستلزم حرج باشد، واجب نبوده و اصل برائت جاری می‌شود.

دوران بین اقل و اکثر در شبهه مکلف به

موارد خارج از محل بحث
(جریان اصل برائت)

اقل و اکثر استقلالی
(وجوبیه و تحریمیه)



این دو صورت به شک در تکلیف
بازگشته و اصل برائت در مورد
«اکثر» جاری می‌شود.

اقل و اکثر ارتباطی
تحریمیه



محل اصلی بحث



اقل و اکثر ارتباطی
وجوبیه

این صورت، محل حقیقی
و اصلی بحث در شبهه
مکلف به است.



شک در
جزء بودن



شک در واجب بودن
خواندن سوره در نماز.

شک در
شرط بودن



شک در شرط بودن
سکون و آرامش هنگام
قرائت نماز.

شک در
مانع بودن



شک در مانع بودن لبخند
زمن در هنگام نماز.



اصل تخییر:

راهنمای تصمیم‌گیری در هنگام شک

اصل تخییر یکی از اصول عملیه است که وظیفه مکلف را هنگام شک و ندانستن حکم واقعی مشخص می‌کند. این اصل در شرایطی به کار می‌رود که تکلیف بین دو امر متضاد (مانند وجوب و حرمت) مردد باشد و به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود.

بخش اول: دوران امر بین دو محذور در «تکلیف»

شک در نوع حکم



علم به وجود الزام داریم، اما نمی‌دانیم آن الزام، وجوب است یا حرمت.

مثال: دفن کافر



شک داریم که آیا دفن او واجب است یا حرام.

حکم نهایی: براءت عقلی و شرعی



در هر دو طرف (وجوب و حرمت) براءت جاری می‌شود و تکلیفی بر عهده مکلف نیست.

بخش دوم: دوران امر بین دو محذور در «مکلف به»

شک در موضوع حکم



می‌دانیم یک فعل واجب و فعل دیگر حرام است، اما در تشخیص مصداق آن‌ها شک داریم.

مثال: اکرام زید



می‌دانیم اکرام عادل واجب و اکرام فاسق حرام است، اما عادل یا فاسق بودن زید مشتبه است.

حکم نهایی: تخییر عقلی



عقل حکم می‌کند که یک طرف را انتخاب کنیم تا از مخالفت قطعی با تکلیف جلوگیری شود.



استصحاب: بررسی ادله عقلی (عقل و بناء عقلاء)

این اطلاع نوشت، دو دلیل غیرنقلی (عقلی) برای اثبات حجیت استصحاب را تحلیل می‌کند: استدلال از طریق «حکم عقل» و استدلال از طریق «بناء عقلاء». در ادامه، اشکالات و نقدهای وارد بر هر یک از این دو استدلال بیان شده و نتیجه‌گیری نهایی ارائه می‌شود.



بخش اول: استدلال از طریق «عقل»

تقریر استدلال

عقل حکم می‌کند چیزی که وجودش در گذشته یقینی بوده، در زمان شک فعلی نیز باقی بماند.

بخش دوم: استدلال از طریق «بناء عقلاء»

تقریر استدلال

عقلاء در عمل، هنگام شک، بنا را بر بقای حالت سابق می‌گذارند تا نظام زندگی مختل نشود.



اشکالات اصلی بر استدلال

اولاً، چنین حکمی از عقل ثابت نیست و ثانیاً، این استدلال حداکثر «ظن» به بقا ایجاد می‌کند.



اشکالات اصلی بر استدلال

این بنای عقلاء ناشی از ظن یا عقلت است، نه یک تعبد شرعی یا عقلی حجت‌آور.



نتیجه: عدم حجیت

از آنجا که اصل اولیه بر عدم حجیت ظن است، این دلیل برای اثبات استصحاب کافی نیست.



نتیجه: ایجاد ظن غیر حجت

این سیره تنها ظن‌آور است و برای اثبات احکام شرعی که نیاز به دلیل قطعی دارند، معتبر نیست.



جمع‌بندی نهایی:

استدلال عقلی برای استصحاب صحیح نیست

در نتیجه، استدلال با دلیل عقلی (عقل یا بناء عقلاء) برای اثبات حجیت استصحاب، کامل و صحیح نمی‌باشد.

استصحاب: اماره یا اصل عملی؟

بر فرض پذیرش این ادله، استصحاب یک «دلیل ظنی» (اماره) خواهد بود، نه یک «اصل عملی».



استدلال بر استصحاب از طریق روایات

روایت اصلی: حدیث زراره و پاسخ امام (ع)



سؤال زراره: شک در بقای طهارت
اگر شخصی که وضو دارد، شک کند که آیا به خواب رفته است یا نه، وظیفه‌اش چیست؟

پاسخ امام صادق (ع):
بقا بر یقین
«هیچ‌گاه یقین را با شک
نقض نکن و فقط با یقینی
دیگر آن را نقض کن»

حکم نهایی: عدم وجوب تجدید وضو
تا زمانی که شخص به خوابیدن یقین پیدا نکرده، بر طهارت خود باقی است.



قاعده کلی: «لَا تَنْقُضُ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ»

استخراج یک اصل عمومی

این قاعده مختص به وضو نیست، بلکه یک قانون کلی برای تمام مواردی است که یقین سابق و شک لاحق وجود دارد.



تأیید در روایات دیگر
از امیرالمؤمنین (ع) نیز نقل شده:
«شک، یقین را نقض نمی‌کند»



شرط اجرای استصحاب: وحدت متعلق
آنچه قبلاً مورد یقین بوده، باید عیناً همان چیزی باشد که اکنون در آن شک شده است (وحدت عرفی کافی است).

میزان دلالت روایات استصحاب

مدلول و دامنه روایات استصحاب

قاعده بنیادین: «لَا تَنْقُضُ الْيَقِينَ أَبَدًا بِالشَّكِّ»
مكلف باید حالت یقینی پیشین را در هنگام شک، باقی و پابرجا بداند.



دامنه شمول استصحاب

این اصل، هم موضوعات خارجی و هم احکام شرعی (چه وجودی و چه عدمی) را در بر می‌گیرد.



اثبات آثار شرعی مستقیم (بدون واسطه)

استصحاب فقط آثاری را ثابت می‌کند که مستقیماً و بدون واسطه بر موضوع بار می‌شوند.

مثال برای اثر شرعی مستقیم:
با استصحاب عدالت زید، جواز اقتدا به او در نماز (که یک اثر شرعی مستقیم است) ثابت می‌شود.



محدودیت استصحاب: «اصل مُثَبَّت»



«اصل مُثَبَّت» چیست؟
هر اصل عملی که یک اثر عقلی، عادی یا اثر شرعی با واسطه را اثبات کند.



حکم مشهور: اصول عملیه مُثَبَّت حجت نیستند

زیرا روایات استصحاب، دلالتی بر اثبات لوازم عقلی یا عادی حالت سابق ندارند.

وجوب وفا به نذر



مثال برای اصل مُثَبَّت:
با استصحاب «زنده بودن» زید، نمی‌توان «رویش ریش» او (اثر عادی) را برای وجوب وفا به نذر اثبات کرد.



درس استصحاب کلی، درس ۷۰

قسم سوم:

شک در حدوث فرد جدید



شک در بقای «کلی» ناشی از احتمال پیدایش «فرد دوم» همزمان با از بین رفتن قطعی «فرد اول» است.



قسم دوم:

دوران امر بین متباینین



شک داریم که فرد محقق شده، فردی کوتاه مدت (که قطعاً از بین رفته) بوده یا فردی بلند مدت (که قطعاً باقی است).



قسم اول:

شک در بقای فرد معین



شک در بقای «کلی» ناشی از شک در بقای همان فردی است که به وجودش یقین داشتیم.



کلید اصلی: تشخیص منشأ شک

تمایز بین «شک در بقا» و «شک در حدوث» مرز بین جریان و عدم جریان استصحاب را تعیین می‌کند.





درس ۷۲: جمع عرفی، راهکار رفع تعارض ظاهری ادله

آموزش مفهوم «جمع عرفی» و اقسام اصلی آن در علم اصول فقه

در فرآیند اجتهاد، هنگامی که دو دلیل در ظاهر با یکدیگر تعارض دارند، «جمع عرفی» روشی است که بر اساس فهم متعارف، تنافی ظاهری را برطرف می‌کند. این روش بر اساس قاعده معروف «الجمعُ مَهما أَمکنَ أَوَّلی مِنَ الطَّرحِ» (تا جایی که امکان دارد، از کنار گذاشتن یکی از آنها بهتر است) بر سایر راهکارها اولویت دارد.



۱. تخصیص (Specification)

دلیل «خاص» به عنوان قرینه، دامنه شمول حکم بیان شده در دلیل «عام» را محدود می‌کند.



۲. تقييد (Restriction)

دلیل «مقيّد» حکمی را که به صورت «مطلق» بیان شده، به یک قيد یا شرط خاص، محدود می‌سازد.



۵. جمع به همراه شاهد

(Reconciliation with Corroborating Evidence)

در مواردی که جمع ممکن نیست، یک قرینه عقلی یا نقلی خارجی، راهکار جمع بین دو دلیل را نشان می‌دهد.



۴. حکومت (Governance)

یک دلیل (حاکم)، موضوع یا محمول دلیل دیگر (محکوم) را از نظر دامنه، تفسیر کرده و آن را گسترش (توسعه) یا محدود (تفصیق) می‌کند.



۳. تقدیم نصّ بر ظاهر

(Preferring the Explicit over the Apparent)

دلیل «نصّ» که معنایی صریح و روشن دارد، بر دلیل «ظاهر» که معنایی غیرصریح دارد، مقدم شده و مراد از آن را تبیین می‌کند.



درس ۷۴: مَرَجَّحَاتِ مَنْصُوصَه در تعارض ادله

هنگامی که دو دلیل یا روایت متعارض باشند، برای ترجیح یکی بر دیگری باید به دنبال یک «مزیت» بود. این مزیت یا مزیت، اگر در روایات به آن تصریح شده باشد، «مرجّح منصوص» نامیده می‌شود. این اینفوگرافیک دو نوع از این مرجّحات را بررسی می‌کند.



درس ۷۵

مرجحات باب تعارض (درس ۷۵): معیار ترجیح در اخبار متعارض

اخبار متعارض

ملاک‌های ترجیح



ترجیح به صفات راوی
(ملاک‌های اخلاقی و علمی)

ترجیح به موافقت با
قرآن کریم

عرضه بر اخبار عامه
(مخالفت با عامه)



عادل‌تر بودن

فقیه‌تر بودن

مورد اعتمادتر بودن (أوثق)

راستگوتر بودن (أصدق)

پرهیزگارتر بودن (أورع)

روایتی که موافق نص یا ظاهر کتاب خدا باشد بر روایت مخالف آن مقدم است؛ زیرا موافقت با قرآن، نشانه اصالت صدور از معصوم است.

در صورت نبود معیار در کتاب خدا، روایتی که با دیدگاه عامه مخالف باشد، به دلیل دوری از تقیه، ترجیح داده می‌شود.

انواع مخالفت با قرآن در تعارض

تباین کلی

(موجب بطلان حدیث) (X)

عموم و خصوص مطلق (م)

عموم و خصوص من وجه (÷)

در هر مورد، روایت موافق با عموم یا نص قرآن ترجیح می‌یابد.

اختصاص صفات راوی به باب قضاوت: طبق تحلیل منابع (مقبوله عمر بن حنظله و صحیح دأود)، ترجیح بر اساس صفات راوی بیشتر مربوط به مقام قضاوت است و در تعارض اخبار، قاعده اولیه تساقط یا تخییر است.



درس ۷۷:
تقدم و تعارض اصول عملیه

استصحاب

تقدم بر اصول عقلیه
استصحاب به دلیل «بیان» بودن، موضوع برائت عقلی (عدم‌البیان) و احتیاط عقلی (تعیین) را از طریق «ورود» برطرف می‌کند.

برائت عقلی
احتیاط عقلی

حکومت بر اصول شرعیه
استصحاب با جایگزین کردن تعبدی علم به جای شک، بر ادله برائت و احتیاط شرعی «حکومت» دارد و موضوع آن‌ها را تعبداً تغییر می‌دهد.

برائت شرعی
حکومت
(تعبدی علم)
احتیاط شرعی

تعارض دو استصحاب (سببی و مسببی)
در تعارض دو استصحاب، «استصحاب سببی» بر «استصحاب مسببی» مقدم است.

استصحاب سببی (مانند طهارت آب)
استصحاب مسببی (مانند نجاست لباس)



تساقط در استصحاب‌های هم‌عرض
اگر دو استصحاب در عرض هم باشند و هیچ‌کدام مسبب از دیگری نباشد، در صورت علم اجمالی، هر دو استصحاب تساقط می‌کنند.



درس ۷۸

تبیین و احکام التزام در علم اصول

بخش اول:
ماهیت و ضابطه التزام

تعریف التزام در مقام امتثال



ناتوانی مکلف از جمع
بین دو تکلیف، در حالی
که هر دو حکم ذاتا
صحیح هستند.

تمایز التزام از تعارض



تعارض
در مقام جعل و
اعتبار است.



تزام
ناشی از عدم قدرت مکلف
در مقام عمل است.

نسبی بودن التزام



بر خلاف تعارض، نسبت به توانایی اشخاص
و شرایط مختلف تغییر می‌کند.

بخش دوم: قواعد حل
(تعادل و ترجیح)

حالت تعادل و قاعده تخییر



در صورت برابری دو تکلیف، عقل به تفسیر مکلف
در انتخاب یکی از آن دو حکم می‌کند.

حالت ترجیح و تقدیم اهم



در صورت وجود پرتی، عقل حکم به لزوم انجام
تکلیف «اهم» و رها کردن «مهم» می‌دهد.

ملاک‌های بازشناسی «اهم»

ولایت
کلید و راهتمای
سایر فرایض |
اولویت: اول (اهم)

نماز
ستون و عمود دین |
اولویت: دوم



زکات، حج، روزه
بنای اسلام بر آن‌ها | اولویت: سوم

درس ۷۹

حَقِيقَت و مَرَاتِبِ اجْتِهَاد

این محتوا به بررسی تخصصی مفهوم اجتهاد در علم اصول می‌پردازد. ابتدا با نقد تعاریف رایج، تعریف برگزیده مبتنی بر «تحصیل حجت» را ارائه داده و سپس به تبیین مفهوم «ملکه اجتهاد» و راه‌های عملی برای دستیابی به این توانایی قدسی در استنباط احکام می‌پردازد.

بخش اول: تعریف و ماهیت علمی اجتهاد



تعریف برگزیده: به کارگیری توان برای دستیابی به «حجت» جایگزینی واژه «حجت» به جای «ظن» برای دربرگرفتن قطع و اعتبار شرعی.



ملکه اجتهاد: قدرت نفسانی بر بازگرداندن فروع به اصول نیرویی درونی که به فقیه توان استنباط احکام فرعی از مبانی اصلی را می‌دهد.



مراتب اجتهاد: مطلق در برابر متجزی

توانایی استنباط در تمام ابواب فقه (مطلق) یا تنها در برخی بخش‌ها (متجزی).

بخش دوم: عوامل نیل به ملکه و اتقان اجتهاد



ممارست بر تطبیق و حل مسائل پیچیده

تمرین مستمر در ردّ فروع به اصول و تفکر عمیق در مسائل دشوار.



تلمذ و انس با روش‌های فقهای متبحر

شاگردی نزد اساتید جامع‌الشرایط و مطالعه گسترده کتب استدلالی.



«العلم لا يعطيك بعضه حتى تعطيه كلک»

ضرورت فراغ بال کامل و اختصاص تمام وقت برای تحصیل ملکه اجتهاد.



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

کانال محصولات آموزشی الاساس



